



ویژه امام زمان عجل الله فرجه

دوماهنامه - ویژه تیر و مرداد ماه ۱۴۰۳
هشتاد و پنجمین شماره نشریه امان



سَلَامٌ عَلَىٰ رَسُوْلِكَ
وَعَلَىٰ آلِكَ
وَعَلَىٰ مَنْ تَبِعَكَ





رئیس عزیز خستگی نمی‌شناسد

سید علی خامنه‌ای
۱۴۰۲/۰۲/۲۳
KHAMENEI.IR

نیت‌هایتان برای قدرت نباشد، برای خدمت باشد.

برشمردن این ویژگی‌ها اگر چه یک جنبه قدردانی و بزرگداشت نسبت به رئیس جمهور فقید داشت اما به نظر می‌رسد جنبه مهم تر آن ارائه الگویی برای مردم در انتخابات پیش رو بود. چرا که بلافاصله پس از بیان این ویژگی‌ها، آنها را درس و سرمشق معرفی کردند. «اینها ارزش است، اینها درس است؛ هر کدام از اینها برای سیاستمداران ما، برای رؤسای جمهور آینده‌ی ما، برای کسانی که در یک بخشی مورد اعتماد ملت قرار می‌گیرند، یک سرمشق است.» 1403/03/14

سلام آرزوی چشمانم

اللَّهُمَّ آرنِي الطَّلْعَةَ الشَّيْئَةَ

خدایا آن چهره‌ی زیبا را به من نشان بده
دعای عید

حکیمانه | امتحانات الهی

در روایات است، «والله لمتحصن» و «والله لتغربلن»؛
بشدت امتحان می‌شوید؛ فشار داده می‌شوید.

امتحان در کجا و چه زمانی است؟
آن وقتی که میدان مجاهدتی هست.

قبل از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی، در میدان‌های مجاهدت،
انسان‌های پاک امتحان می‌شوند؛ در کوره‌های آزمایش وارد می
شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی
مهدی موعود (ارواح‌نفاذ) روزه‌روز نزدیکتر می‌شود؛ این، آن
امید بزرگ است.
۱۳۷۰/۱۱/۳۰

بیانات در دیدار مردم قم

دوماهنامه امان - شماره ۸۵

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی

سرمدبیر: حجت الاسلام محمد رضا نصوری

دبیر علمی: حجت الاسلام تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی: زهره رجیبی شیبزری

دوماهنامه - ویژه تیر و مرداد ماه ۱۴۰۳



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و
غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران
می‌باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه. به ویژه نسل
جوان - با شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی و تحکیم پایه‌های امامت و ولایت، پس از کسب
موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در تاریخ
۱۳۷۹/۰۹/۰۳ تأسیس گردید.



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

الگوی مؤمنین



امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف به صورت یک الگوست برای مؤمنین به امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف. آن حضرت با کفر می‌جنگد، ما هم دنباله رو و شیعه‌ی او هستیم باید با کفر بجنگیم. آن حضرت برای عدالت زحمت می‌کشد و مجاهدت می‌کند، ما هم که مأموم او هستیم و دنباله رو او هستیم، باید برای گسترش عدالت مجاهدت کنیم. ما هم که دنباله رو او و معتقد به او هستیم باید تا حدی که قدرت ما اجازه می‌دهد و در توان ماست در گوشه‌ای از دنیا یا هر چه بشود، پرچم اسلام را برافراشته کنیم. فاصله‌ی میان ما و امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف به معنای فاصله‌ی یک امام و مأموم است، یک پیشرو و دنباله رو است. حرکت امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف به هرستی هست حرکت شیعیان او و علاقه‌مندان او و دنباله‌روان او هم به همان سمت خواهد بود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۱/۱۲



حجت الاسلام جواد محدثی

سلوک مهدوی

(قسمت چهارم)

..... ادب

ادب، آن است که انسان از گفتار زشت و رفتار ناپسند و برخورد نسنجیده و سَبُّک با دیگران پرهیز کند و گفتارش نیکو و رفتارش سنگین و قدرشناسانه باشد.

کیفیت سخن گفتن و محتوای کلام، نشانه عقل و ادب انسان است. شخصیت هر کس را در آینه کلامش می توان دید و شناخت. امام علی علیه السلام می فرماید:

«فرد بدگفتار، ادب ندارد». (غرر الحکم، حدیث ۱۰۵۹۶)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

«ای جماعت شیعه! برای ما زینت باشید و مایه ننگ و عار ما نباشید. با مردم نیکو سخن بگویید. زبان های خود را حفظ کنید و آن را از حرف های زاید و سخنان زشت نگه دارید». (میزان الحکمه، حدیث ۱۷۹۴۷)

کسی که پیرو امام زمان و منتظر ظهور اوست، چنان رفتار خوب و ادب در گفتار و کردار باید داشته باشد که با ادب او، دیگران جذب هواداران و منتظران شوند.

در حدیثی هم آمده که امام عسکری علیه السلام شیعیان خود را به تقوا و پرهیزکاری و راستگویی و امانت داری و برخورد خوب با همسایگان و حضور در جماعات دیگران و شرکت در تشییع جنازه ها و عیادت مریضان سفارش کرد و افزود:

اگر این گونه باتقوا و خوب و امین و خوش اخلاق باشید، دیگران می گویند: «اینان شیعه اند» و این مرا خوشحال می کند.... (تحف العقول، ص ۴۸۷)

این ها نشان می دهد که امامان ما از ما انتظار دارند رفتار و برخورد ما، بهترین رفتار و مؤدبانه ترین برخورد باشد تا مایه افتخار و آبروی مکتب اهل بیت علیهم السلام باشیم. در برخی حکایات مربوط به ملاقات کنندگان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم آمده است که آن حضرت توصیه فرمودند که با همراهانتان سخن زشت نگویید و برخورد تند نداشته باشید، بلکه با مدارا رفتار کنید، حتی اگر اهل سنت و مخالف مذهب شما باشند. (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸)

..... انس با قرآن

قرآن، منشور جاویدان اسلام و پیام آسمانی دین و معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عهدنامه الهی با بندگان است. ما نسبت به این کتاب، طبق رهنمودهای پیشوایان دین، سه وظیفه مهم و همیشگی داریم:

۱. خواندن و قرائت و تلاوت؛
۲. تأمل و تدبر و فهم حقایق؛
۳. عمل به اوامر و نواهی الهی و احکام قرآن.

وقتی تلاوت و خواندن، به عنوان یک وظیفه و تکلیف مطرح است، پس باید مقدمات آن را هم فراهم کرد، یعنی قدرت بر قرائت و صحیح خوانی آیات که باید هم خودمان بتوانیم، هم به فرزندانمان بیاموزیم، چون از جمله حقوق فرزند بر پدر، آن است که به او قرآن یاد دهد: «وَيُعَلِّمُهُ الْقُرْآنَ».

(نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹)

توصیه امامان این است که ما با قرآن مأنوس و همدم باشیم و هر روز مقداری قرآن بخوانیم.

حضرت صادق علیه السلام می فرماید: قرآن، عهدنامه الهی با بندگان است و سزاوارتر است که یک مسلمان در این عهدنامه الهی بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند.

(وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۴۹)

در زندگی یک مسلمان، قرآن باید نقش اساسی داشته باشد؛ هم انس با این کتاب مقدس، هم منطبق ساختن همه جهات زندگی با این منشور الهی و بهره گرفتن از پند و مثل ها، قصه ها و رهنمودهایش.



حتما ببینید.....

تلاوت قرآن

کودکان غزه

برای مشاهده کد را اسکن

و یا روی آن کلیک کنید

..... قناعت

در قرآن، به کسانی که مؤمن باشند و عمل صالح انجام دهند، از سوی خدا وعده «حیات طیبه» داده شده، حیات پاک و بی‌آلایش. یکی از معانی حیات طیبه که در تفاسیر آمده، قناعت و رضا به رزقی است که خدا قرار داده است، چرا که زندگی‌های آمیخته به حرص و افزون خواهی، سر از گناه و درآمدهای حرام و تعدی به حقوق دیگران درمی‌آورد.

قناعت آن است که انسان به آنچه دارد قانع باشد و حرص مال دنیا نخورد و در پی مال و منالی که ضرورت ندارد نرود و چشم طمع به دست این و آن ندوزد و به سطحی از معیشت که برخوردار از کفاف و عفاف است و زندگی او را آبرومندانه می‌گذراند بسنده کند. در روایات، فراوان روی «قناعت به کفاف» تکیه شده است. یعنی بسنده کردن و راضی بودن به آنچه او را کفایت می‌کند. پیامبر خدا ﷺ در حدیث «القنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ» (میزان الحکمه، حدیث ۱۷۱۴۴) بر ثروت تمام نشدنی بودن قناعت تأکید می‌فرماید.

منتظر امام زمان باید زندگی خود را بر مدار عفاف و کفاف و قناعت و رضا قرار دهد، تا با افزون طلبی و تکاثر، گرفتار گناه و ذلت نشود، امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: **ثَمَرَةُ الْقِنَاعَةِ الْعِزُّ؛ ثَمَرَةُ قِنَاعَتِ، عَزَّتْ** است. (غرر الحکم، حدیث ۴۶۴۶) زنان در ایجاد تعادل اقتصادی خانواده و پایبندی به شیوه کفاف و قناعت بسیار مؤثرند و با هر پرهیز از خواسته‌های افزون طلبانه و کنار گذاشتن حرص، میتوانند به این فرهنگ کمک کنند و یاور مردان باشند.

..... صدق و امانت

«صدق» و «امانت»، که یکی در گفتار است و دیگری در کردار، از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است و در روایات، به عنوان «معیار» برای ارزش و ایمان یک شخص به شمار آمده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فریب نماز و روزه اشخاص را نخورید، چرا که شخص چه بسا به نماز و روزه حریص و به آن‌ها عادت کرده باشد که اگر ترک کند، دچار وحشت شود. لیکن آنان را با راستگویی و امانت‌داری امتحان کنید: «وَلَكِنْ اِخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَاَدَاءِ الْأَمَانَةِ.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۴ و ۱۰۵)

این معیار، بسیار تعیین کننده است. خیلی‌ها ممکن است اهل نماز و عبادات باشند و به نماز شب و دعای کمیل و زیارت پیردازند، ولی راستگو و امین نباشند. به چنین اشخاصی نمی‌توان اطمینان کرد.

انسان امین و راستگو، مورد اعتماد جامعه است. حتی دشمنان هم اگر صداقت و امانت ببینند، اعتماد می‌کنند. مگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در میان مشرکان مکه به «محمد امین» مشهور نبود؟ مگر آنان امانت‌های خود را به او نمی‌سپردند؟

در میان خود ما، چرا به اجناس داخلی اقبالی نیست؟ یکی از دلایل آن سر هم بندی و تقلب در برخی اجناس تولید داخل است و این وضع، هرگز مورد رضا و پسند خدا و پیغمبر و امام زمان برای «امت محمدی» نیست.

جامعه‌ای که در آن دروغ‌گویی و تقلب و فریب رواج داشته باشد، اسلامی نیست و مردمی که صداقت و امانت نداشته باشند، نمی‌توانند ادعا کنند که ما منتظر دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم. یاران او همه از صادقانند، چه در گفتار، چه در کردار.

..... تعاون

انسان‌ها در زندگی بی‌نیاز از هم نیستند. زندگی فردی برخلاف فطرت و سنت طبیعی است. آنچه زندگی اجتماعی را مفید می‌سازد، تعاون و همیاری است.

قرآن می‌فرماید:
بر نیکی و تقوا تعاون و یاری داشته باشید و بر گناه و تجاوز، یکدیگر را یاری نکنید. (مائده، آیه ۲)

در عصر غیبت، منتظران ظهور باید پشتیبان و غمخوار و مددکار هم باشند، تا در انبوه دشمنان دچار ضعف و انزوا نشوند و قدرت اجتماعی خود را حفظ کنند.

تعاون در کارهای خیر، موجب رضای خداست. داشتن «روحیه تعاون» هم از فضایل اخلاقی است. این روحیه را باید از دوران کودکی در فرزندان خود ایجاد کنیم و حس همدردی و همیاری را در آنان تقویت کنیم.

تعاون، حتی نسبت به راه خیر و اصلاح خانواده و فرزندان هم سفارش شده است. در روایات، از زنی که شوهر خود را در کارهای نیک یاری رساند، و پدری که فرزند خود را در نیکی مددکار و یاور باشد، ستایش شده است.

جامعه ایمانی باید نسبت به هم همدردی و همکاری و همیاری داشته باشند، تا مورد عنایت حضرت حجّت قرار گیرند.



قسمت سوم

موانع فراروی مصلحان از دیدگاه قرآن وراهکارهای مقابله مهدویت با آن‌ها

حجت الاسلام محمد صابر جعفری، با اندکی تلخیص

* ویژگی‌های متکبران

خودراهدایت یافته پنداشتن
وقتی عده‌ای از اهل کتاب، به اطاعت خدا فراخوانده می‌شوند، آنان با تکبر، هیچ راهی برنتافته، خود راهدایت یافته می‌دانند. آن که خود راهدایت یافته می‌داند، جایی برای بحث و نظر دیگران نمی‌بیند:

«آن‌ها گفتند: هیچ کس، جز یهود یا نصارا، هرگز داخل بهشت نخواهد شد. این آرزوی آن‌هاست. بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید». بقره: ۱۱۱

نپذیرفتن حق

متکبران، از پذیرش راه هدایت سر باز زده، و راه گمراهی را می‌پذیرند. «به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از آیات خود منصرف می‌سازم. آن‌ها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند. اگر

در شماره‌های پیشین بیان شد که همیشه فراروی تمام پیامبران و مصلحان، موانعی جدی بوده است و قرآن به خوبی نمایانگر رفتارها و واکنش‌های اصناف مختلف مخالفان در رویارویی با پیامبران و مصلحان است. «کفار» و «منافقان» به عنوان دو گروه از گروه‌های معاند از منظر قرآن کریم بیان شد و اینک ادامه بحث.

گروه‌های معاند و موانع از منظر قرآن

سه. مفسدان

گروه دیگری که مقابل حضرت قد علم می‌کنند، کسانی هستند که دنبال فساد و تبهکاری اند. طبیعی است، این‌ها برای میدان داشتن، با هر اصلاحی مخالفند. بیراهه را بر راه، و فساد را بر صلاح و اصلاح ترجیح می‌دهند. کسانی که به بدی‌ها دل سپرده و با فساد و بدی میانه خوبی دارند، طبیعی است تحمل مصلح و اصلاح را ندارند؛ به همین خاطر با آن‌ها که به حق یقین دارند و دین را می‌شناسند، از روی ظلم و سرکشی انکار می‌کنند.

«در حالی که در دل، به آن یقین داشتند؛ پس بنگر سرانجام تبهکاران [و مفسدان] چگونه بود». نمل: ۱۴

بدیهی است مفسدان نیز از گروه‌هایی هستند که با حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الیه مبارزه برخواهند خاست و به آسانی سخن حق را نخواهند پذیرفت.

چهار. متکبران

تکبر، بیماری‌ای است که شیطان را از جایگاه خود، ساقط کرد. او به سبب این ویژگی ناپسند، گردنکشی کرده و سخن خدای متعال را نپذیرفت.

تکبر، آفتی است که در طول تاریخ، عده‌ای را در مقابل صف مصلحان قرار داده: «[خداوند به شیطان] فرمود: در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم. مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل».

اعراف: ۱۲

راه هدایت را ببینند، آن راه خود انتخاب نمی‌کنند و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن راه خود انتخاب می‌کنند. این، به دلیل آن است که آیات ما را تکذیب کردند. و از آن، غافل بودند». اعراف: ۱۴۶
 «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: از خدا بترسید! (لجاجت آنها بیشتر می‌شود) لجاجت و تعصب، آن‌ها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ، برای آنان کافی است و چه بد جایگاهی است!». بقره: ۲۰۶

سومین ویژگی متکبران: توهین و تحقیر ولی خدا و مؤمنان

آنان، جدای از نپذیرفتن حق، و هدایت یافته پنداشتن خود (به گونه‌ای که متکبران اهل کتاب، بهشت را هم برای خود تضمین شده می‌دانند)، به توهین و تحقیر ولی خدا و مؤمنان می‌پردازند:
 «و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: به آنچه خداوند نازل کرده، ایمان بیاورید، می‌گویند: ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده است و به غیر آن، کافر می‌شوند؛ در حالی که آن، حق است و آیاتی را که بر آن‌ها نازل شده است، تصدیق می‌کند. بگو: اگر ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می‌رساندید؟». بقره: ۹۱
 قوم شعیب، با تکبر و نخوت، به شعیب می‌گویند: ما تو را ضعیف می‌دانیم و تو فرد مهمی نیستی؛ لذا می‌گویند: ما بسیاری از آنچه را که می‌گویی، نمی‌فهمیم:
 «گفتند: ای شعیب! بسیاری از آنچه را که می‌گویی، نمی‌فهمیم و ما تو را در میان خود، ضعیف می‌یابیم و اگر قبيلة کوچک نبود، تو را سنگسار می‌کردیم و تو در برابر ما قدرتی نداری». هود: ۹۱
 با بیان آیات فوق، روشن می‌شود، مقابل خیرخواهی و اصلاحات انبیاء و مصلحان، متکبران شیطان صفت، صف آرایی کرده، مانع هدایت می‌شوند. بدیهی است متکبران، سخن حق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز نپذیرفته و سرپیچی می‌کنند. از سوی دیگر، ولی خدا و مؤمنان پیرو او را تمسخر می‌کنند.
 چنان که در دوران غیبت نیز متکبران، از دستورات او سرپیچی کرده و معتقدان به آن حضرت و دستوراتش را تمسخر می‌کنند.

بررسی گروه‌های معاند دیگر و تعامل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با آنان را به زمانی دیگر وامی‌گذاریم.





قسمت چهارم

سلاح دعا در دستان مبارک ائمه علیهم السلام

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ جَهْمًا، الْمُقْتَفِينَ أَثَرَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِأَمْرَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّكَائِبَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ. وَوَسَّلِمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَثُبِّ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ صحیفه‌ی سجادیه، دعای ۴۷، فراز ۶۴.

بار خدایا! تحیت و درود بفرست دوستان ایشان را؛ آن اعتراف‌کنندگان به مقام و منزلت ایشان، آن پیروی‌کنندگان راه ایشان، آن پای‌نهندگان به جای پای ایشان، آن چنگ‌زنندگان به رشته‌ی آیین ایشان، آن تمسک‌جویان به دوستی ایشان، آن پذیرندگان پیشوایی

بررسی موضوع مهدویت در صحیفه‌ی سجادیه مقدماتی دارد که به برخی از آن‌ها در شماره‌های قبل به صورت مختصر (گام‌های اول تا ششم) اشاره شد. در ادامه آخرین بخش از این مقاله را خدمتتان تقدیم می‌کنیم:

گام هفتم: وظایف شیعیان و منتظران در برابر امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ

در فراز گذشته در ضمن دعا برای امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ به برخی از وظایف شیعیان و منتظران در برابر امام پرداخته شده است که عبارتند از:

۱. وجوب اطاعت از امام؛ (وَأَفْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ)
۲. پرهیز از نافرمانی امام و ممنوعیت معصیت او؛ (حَدِّزْتَ مَعْصِيَتَهُ)
۳. همراهی با امام در همه‌ی شئون و سبقت نگرستن و عقب نیفتادن از او؛ (الْأَيْتَقَدَّمَهُ مُتَّقِدًا، وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ)
۴. همانند امام سپاس‌گزار نعمت‌ها بودن؛ (وَأَوْزَعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ)
۵. گوش به فرمان و مطیع امام بودن؛ (وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ)
۶. تلاش برای جلب رضایت امام؛ (وَفِي رِضَاةِ سَاعِيَةٍ)
۷. یاری پیوسته‌ی امام و مدافع همیشگی امام بودن؛ (وَأَلِي نُصْرَتِهِ وَالْمَدْفَعَةَ عَنْهُ مُكْنِفِينَ)
۸. تقرب جستن به خدا و رسول یا نصرت امام؛ (وَأَلِيكَ وَآلِي رَسُولِكَ - صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ).

در ادامه‌ی این دعا از صحیفه‌ی سجادیه، به ویژگی کسانی که ولایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را دارند، اشاره شده است و در همین راستا وظیفه‌ی آنان نسبت به امام و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به خوبی بیان شده است:



۶. از میان برداشته شدن کسانی که از مسیبر الهی منحرف شده‌اند؛
(وَأَزَلَّ بِهِ التَّكْبِيرَ عَنْ صِرَاطِكَ)
 ۷. نابودی کسانی که صراط مستقیم را راه کج جلوه داده‌اند؛
(وَأَمَحَقَّ بِهِ بُعَاةَ قُصْدِكَ عَوْجاً)
 ۸. گشوده شدن دست قدرت امام بر دشمنان خدا؛ (وَإِبْطُ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ).

دعای ظهور

این بحث را با دعایی از امام سجاد عجل الله تعالی فرجه الشریف که برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته‌اند، سامان می‌دهیم:
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، كَصَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَحِيَّاتِكَ عَلَى أَصْفِيَاءِكَ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَعَجَلِ الْفَرَجَ وَالرَّوْحَ وَالنُّصْرَةَ وَالتَّمَكِينَ وَالتَّأْيِيدَ لَهُمْ؛

(صحیفه سجادیه، دعای ۴۸، فراز ۱۱)

بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، که تو ستوده و بلند مرتبه‌ای، همانند درودها و برکت‌ها و تحیاتت بر برگزیدگان، ابراهیم و آل ابراهیم، و در فرج، آسایش، یاری، تمکین و تأیید آنان تعجیل فرما.

ایشان، آن تسلیم‌شوندگان به فرمان ایشان، آن کوشندگان در طاعت ایشان، آن منتظران دولت ایشان و آن چشم‌به‌راهان ظهور ایشان. تحیت و درودی مبارک پاکیزه، فزاینده، در هر بامداد و هر شبانگاه.

آموزه‌ها و پیام‌ها

۱. اعتراف به مقام اهل بیت علیهم‌السلام؛ (الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ)
۲. تبعیت کردن از روش اهل بیت علیهم‌السلام؛ (الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ)
۳. پیروی کردن از آثار آن‌ها؛ (الْمُقْتَفِينَ آثارَهُمْ)
۴. دست‌آویز قرار دادن و چنگ زدن به هدایت اهل بیت علیهم‌السلام؛ (الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ)
۵. تمسک به ولایت آن‌ها؛ (الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ)
۶. پذیرفتن پیشوایی اهل بیت علیهم‌السلام؛ (الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ)
۷. تسلیم فرمان آن‌ها بودن؛ (الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ)
۸. کار جهادی در اطاعت از اهل بیت علیهم‌السلام؛ (الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ)
۹. در انتظار دولت آن‌ها ماندن؛ (الْمُنْتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ)
۱۰. چشم‌دوختن به تحقق دولت اهل بیت علیهم‌السلام؛ (الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ).

گام هشتم: دستاوردهای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

خواسته‌های بیان شده در این دعا تنها با تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می‌شود؛ از این رو از این امور می‌توان به عنوان دستاوردهای حکومت جهانی حضرت یاد کرد:

۱. اقامه‌ی کتاب خدا و حدود الهی؛ (وَأَقِمَّ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ)
۲. اقامه‌ی شرایع الهی و سنت‌های پیامبر؛ (وَشَرَّاعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ)
۳. زنده شدن هر آنچه ظالمان از معالم دین میرانیده‌اند؛ (وَأُحْيَى بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ)
۴. زدوده شدن زنگ ستم‌ستکاران از آیین الهی؛ (وَأَجْلَّ بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ)
۵. دور شدن دشواری‌ها از راه خدا؛ (وَأَبْنَى بِهِ الصِّرَاطَ مِنْ سَبِيلِكَ)



دین عصر ظهور

..... آیا می دانید ؟

از عوامل اختلافات و نزاع‌های بشری، پراکندگی ادیان و دوری از باطن و عمق دین و مذهب است. بی‌گمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، می‌آید، تا با بیدار کردن فطرت‌های خفته، زمینه را برای یکتاپرستی همگان که همانا هدف آفرینش بوده است، فراهم کند. او نه فقط هرگز برای پذیرش باور یکتاپرستی کسی را تحت فشار و اجبار قرار نخواهد داد، بلکه با فراهم کردن بسترهای لازم برای پذیرش این امانت الهی، شاهد شیرین خدایپرستی را بین همه انسان‌ها عادلانه تقسیم خواهد نمود. وی با ایجاد شرایط مناسب و از بین بردن موانع، همگان را به اندیشیدن در نشانه‌های الهی و خواهد داشت. و حاصل این اندیشیدن به مبدأ و معاد، ارمغانی جز پرستش حقیقی خداوند نخواهد داشت.

روشن است که با فراهم شدن تمام شرایط و رفع تمام موانع، آن کسی که سر تسلیم برابر حقیقت فرود نیاورد، کسی نیست مگر انسانی گستاخ و طغیانگر که با تمام قامت برابر حق به مقابله ایستاده است و بدون شک در چنان شرایطی، آن امام همام او را برنخواهد تابید؛ از این رو است که روایات فراوانی یگانه دین مورد پذیرش در عصر ظهور را، همانا «دین اسلام» دانسته، می‌گوید در عصر ظهور، ندای توحید در سراسر گیتی حکم فرما خواهد شد.

امام حسین علیه السلام در وصف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید:

«خداوند، به وسیله او دین حق را بر تمام ادیان ظهور می‌بخشد؛ اگرچه مشرکان آن را نپسندند.»

(کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند، مگر این‌که شهادت به توحید و نبوت در آن نداداده خواهد شد.»

(کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴)

حرز امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ

دعای منسوب به حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ برای درامان ماندن از بلاها

جزز، در لغت به معنای جای استوار و پناهگاه است. نیز دعای حفظ و تعویذ را گویند. در اصطلاح، بیشتر معنای دوم مقصود است؛ یعنی هر گونه دعای خواندنی و نوشتنی، بلکه هر گونه تعویذی است که مایه حفظ باشد و به وسیله آن پناه جویند. وجه مشترک بین همه حرزها، به کار بستن آن‌ها برای محفوظ ماندن شخص و یا همراهان یا اموال او از گزند دشمنان یا پیش آمدهای ناگوار و حوادث پیش بینی نشده روزگار است.

هر یک از حرزها، ویژگی‌هایی دارند که در کتاب‌های دعا مورد اشاره قرار گرفته است. برای هر کدام از معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حرزهایی نقل شده است که بعضی از آن‌ها شهرت بیشتری دارند؛ یکی از آن‌ها حرز حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَةَ الشَّرِيفِ است که چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَالِكِ الرَّقَابِ يَا هَازِمَ الْأَحْرَابِ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ .





دسته گل های نرگسی ...

(امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کلام آیت الله بهجت رحمته)

فقط خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مبنای اعمال ما باشد.

در امور اجتماعی نباید به دیگران نگاه کنیم و از این و آن پیروی کنیم؛ زیرا افراد، معصوم نیستند، هرچند بزرگ و بزرگوار باشند، بلکه باید نگاه کنیم و ببینیم اگر خودمان تنها بودیم و دیگران نبودند، آیا انجام می دادیم یا خیر! و نباید به دیگران کار داشته باشیم... ما باید رضا و میل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کارها به دست آوریم.

انتظار فرج باذیت دوستان حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف سازگار نیست!

قرآن، کتابی است که تمام، نور است، و هادی به سوی امام. امکان ندارد حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان ما نباشد و مردم بدون امام باشند. اگر به آنچه در دسترس ماست (قرآن و عترت) عمل کنیم، انتظار فرج جا دارد. انتظار ظهور و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باذیت دوستان آن حضرت سازگار نیست.

دعا برای او عجل الله تعالی فرجه الشریف، دعا برای همه بشریت است

دعا برای قائد اعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف که ولی مطلق و منجی عصر است، دعا برای همه بشریت است.

حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف طرفدار کسی است که ...

در این زمان، حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف طرفدار کسی است که برای تعجیل فرج دعا کند. اگر در ناراحتی است، [با دعا برای تعجیل فرج] رفع آن را می خواهد، و اگر در راحتی است، می داند که دوام ندارد و تا فرج محقق نشود، هیچ چیز فایده ندارد.

کتاب حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ هشتم بهار ۱۴۰۲ از صفحه ۱۸۶ الی ۲۲۷



نزول حضرت عیسیٰ علیه السلام

حضرت عیسیٰ علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزم و از انبیاء بنی اسرائیل است که ولادت او به طور معجزه به اذن خدا رخ داد. کتاب مقدس و مورخین محل تولد حضرت عیسیٰ علیه السلام را «بیت لحم» فلسطین می‌دانند. این پیامبر الاهی در همان کودکی با سخن گفتن خود به مقام نبوت خود تصریح کرد. پس از اعتقاد به حیات عیسیٰ علیه السلام، وی در دوران آغازین ظهور، نزول خواهد کرد. نزول ایشان، از اموری است که مورد اتفاق جامعه مسلمین می‌باشد. در این بین احادیث فریقین نقش بسزایی در شکل‌گیری این اعتقاد دارد.

احادیث شیعی

در منابع روایی شیعی، احادیث فراوانی داریم که در آن‌ها به نزول و اقتدای عیسیٰ علیه السلام به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته شده است. به عنوان نمونه؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام فرمود:

«سوگند به خداوندی که جز او معبودی نیست، مهدی این امت، از ماست؛ کسی که عیسی بن مریم، پشت سرش نماز می‌خواند». سپس با دستش بر شانه حسین زد و سه بار فرمود: «از [نسل] این». طوسی، محمد بن حسین، «الغیبه»، ص ۱۹۱

احادیث اهل سنت

در نزد اهل تسنن نیز، در مورد نزول عیسی بن مریم علیه السلام روایات فراوانی وارد شده است. این روایات دارای تنوع فراوانی است: پیامبرگرمی خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«عیسی بن مریم کنار مناره سپید در شرق دمشق فرود می‌آید». طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر: ج ۱ ص ۲۱۷ ح ۵۹۰

نقش عیسی در دوران ظهور

بعد از اثبات نزول عیسی علیه السلام در آخر الزمان، موضوع بسیار مهمی که لازم به ذکر است، بررسی کارکرد ایشان در آن دوران می‌باشد. در بررسی و تحلیل روایات اسلامی عمدتاً می‌توان کارکردهای زیر را برای ایشان بیان کرد:

یک. معرف و موید امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

با توجه به روایات اقتدای عیسی بن مریم بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نماز، و تصریح به افضلیت و اقدمیت امام علیه السلام، می‌توان معرفی امام مهدی علیه السلام به جهانیان - بالأخص مسیحیان - را، اساسی‌ترین کارکرد عیسی مسیح علیه السلام در دوران ظهور دانست.

دو. کارگزار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در حکومتی که رهبری آن به عهده حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، کارگزاران و مسئولان حکومت او نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند؛ در روایتی می‌خوانیم که حضرت عیسی علیه السلام وزیر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است «و هو الوزير الأئمن للقائم و حاجبه و نایبه» و پرده دار و جانشین آن حضرت است.



بیشتر بخوانید:

جهت مطالعه بیشتر کد رو برو را اسکن

و یا روی آن کلیک کنید



دلایل قرآنی

وجود امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

ضرورت اشاره به مهدویت در قرآن

به عقیده پیروان اهل بیت علیهم السلام امامت از مهمترین ارکان دین است، از این رو لازم است در هر زمانی، از جمله دوران کنونی، امام وجود داشته باشد.

اما چنین عقیده مهمی نمی تواند بدون ریشه قرآنی باشد. اگر قرآن کتاب هدایت است، باید دلایل محکمی شاهد بر این عقیده در آن وجود داشته باشد.

پاسخ شیعیان مثبت است. در این باره دلایل بسیار محکم و صریحی وجود دارد. تنها نیازمند کمی انصاف است و اینکه بدون تعصب و بدون دخالت دادن اغراض شخصی، در پی درک حقیقت قرآن بود، نه به دنبال اینکه قرآن را با افکار و تمایلات خود تطبیق دهیم.

قرآن کتاب هدایت است و خداوند آنچه را برای سعادت بشر تا روز قیامت نیاز بوده، در آن بیان کرده است. اما هدایتگری قرآن شرایطی دارد. همین کتاب که معجزه جاودان رسول خدا صلی الله علیه و آله است، برای عده ای مایه خسران و گمراهی است، چه اینکه خداوند فرموده:

«وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا؛ از این قرآن آیه ها نازل می کنیم که مؤمنان را شفاست و رحمت، و ستمگران را جز خسارت نمی افزاید.» (اسراء، آیه: ۸۲)

بر اساس آیات دیگر، معنای این آیه می فهماند که گروهی، بدون مراجعه به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام - که مفسران حقیقی قرآن هستند -، با انتخاب گزینشی و تفسیر به رأی، زمینه گمراهی خود و دیگران را فراهم می کنند. در یکی از آیات بسیار مهم قرآن که شایسته است مسلمانان خوب در آن بیاندیشند، خداوند فرموده است:

«اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد، بخشی از آن کتاب، آیات محکم است [که صریح و روشن است] آنها اصل و اساس کتابند، و بخشی دیگر آیات متشابه است [که غیر صریح و معانی اش مختلف و گوناگون است و جز به وسیله آیات محکم و روایات استوار، تفسیر نمی شود] ولی کسانی که در قلوبشان انحراف است برای فتنه انگیزی و طلب تفسیر [نادرست و به تردید انداختن مردم و گمراه کردن آنان] از آیات متشابهش پیروی می کنند، و حال آنکه تفسیر واقعی و حقیقی آن ها را جز خدا و اهل دانش نمی داند، [آنان که] می گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همه [چه محکم، چه متشابه] از سوی پروردگار ماست. و [این حقیقت را] جز صاحبان خرد متذکر نمی شوند.» (آل عمران، آیه: ۸)

اسلام عليك يا ابي كذا الب و ترجمانه



«منظور از (كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) آل محمد است.» (مجمع البيان، ج ۵، ص ۱۲۲)
برخی روایات اهل سنت نیز این مطلب را تصدیق می کند.

سه. «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ؛
فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر] هر کاری نازل می شوند.» (قدر، آیه: ۴)

از جمله محکم ترین دلایل بر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سوره مبارکه قدر است.
امام باقر علیه السلام فرمودند:
«ای جماعت شیعه با منکرین خود به سوره قدر محاجه کنید که پیروز خواهید شد. سوگند به خدا که این سوره درباره حجت خداوند بعد از رسول است، این سوره همانا مدرک دین شما و نهایت علم ما است.»

(کافی، ج ۱، ص ۲۴۹)
با توجه به این که «تَنْزَلُ» فعل مضارع است و دلالت بر استمرار دارد روشن می شود که شب قدر، مخصوص به زمان پیامبرگرامی صلی الله علیه و آله نبوده، بلکه امری است که همه ساله تکرار می شود.
به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام کسی که ملائک بر او نازل می شوند، نه یک انسان عادی، که کسی جز امام معصوم نخواهد بود:

«شب قدر در هر سال هست، در آن شب امریک سال نازل می شود و برای آن بعد از رسول خدا والیانی است. ابن عباس پرسید: آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: من و یازده نفر از فرزندانم که همگی امام و محدثند.»
(همان، ص ۲۴۷)

آیات اثبات کننده وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در این باره به موارد فراوانی می توان استناد کرد که در این مجال کوتاه تنها به چند مورد اشاره می شود:

یک. «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ (رعد، آیه: ۷)

تو تنها بیم دهنده ای و برای هر گروه هدایت کننده ای هست.»
این آیه به وضوح، امام معصوم را برای همه اقوام ثابت می کند. معنای ظاهری آیه چنین مفهومی را می رساند، همانطور که روایات تفسیری ذیل آیه نیز این حقیقت را تأیید می کند که امامی زنده تا روز قیامت در میان انسان ها حضور دارد. از جمله امام صادق علیه السلام می فرماید:
«هر امام معصومی هدایت گر اقوامی است که در زمان او زندگی می کنند.»

(کافی، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۱)
نکته قابل توجه اینکه فخر رازی از پرآوازه ترین عالمان سنی، ذیل آیه، اقرار کرده بر اساس یکی از اقوال - که اتفاقاً مبتنی بر روایتی از رسول الله صلی الله علیه و آله است - مراد از منذر، علی علیه السلام است. آن روایت چنین است:
«ابن عباس نقل کرده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله دستش را بر سینه نهاد و فرمود: من منذر هستم. سپس به علی فرمود: یا علی! تو هادی هستی. بوسیله تو مردمان پس از من هدایت می شوند.» (مفاتیح الغیب، ج ۱۹، ص ۱۴)

دو. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ (توبه، آیه: ۱۱۹)

ای مومنان تقوا پیشه کنید و با صادقان باشید.»

این آیه نیز به وضوح، بر وجود امام معصوم در همه زمان ها دلالت دارد. آیه کریمه به همراه بودن با صادقان، به طور مطلق، و جدا نشدن از آنان بدون هیچ قید و شرطی دلالت دارد و تنها «امام معصوم» است که می توان چنین با او همراهی کرد. این مطلب را روایات نیز تأیید می کنند. به عنوان نمونه امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده است:



کارکرد دوم:

بیداری و تنبّه نسبت به خطرات سیر کنونی حرکت جامعه بشری

با رصد آثار آخرالزمانی سینمایی هالیوود مشاهده می‌کنیم تعداد قابل توجهی از این تولیدات، دارای مضامین انتقادی نسبت به نوع کنونی حیات بشری هستند.

در این نگاه، معمول اتفاقات مهیب آخرالزمانی به نمایش گذاشته شده، معلول شیوه و نوع حیات بشری می‌باشند و عامل انسانی دارند.

به عنوان نمونه در فیلم‌های آخرالزمانی مانند سری فیلم‌های نابودگر (Terminator) و یا آفریننده (The Creator)، مشاهده می‌کنیم که هوش مصنوعی - که خود انسانها خالق آن بوده‌اند - به تهدیدی بزرگ برای ادامه حیات آنها تبدیل و موجب نابودی قسمت عمده‌ای از تمدن بشری شده است.

زیاده خواهی‌های بشر و قدرت طلبی‌های او، عدم مدیریت درست منابع مالی، سوء استفاده و بهره برداری غلط از منابع طبیعی و... همه از عواملی هستند که در تعدادی از فیلم‌های آخرالزمانی هالیوود به عنوان ریشه‌های حوادث آخرالزمانی معرفی می‌گردند و کارگردان سعی دارد تا با بیان این مسائل، به مخاطب خود نوعی آگاهی ببخشد و او را متوجه چنین خطراتی گرداند.

کارکردگرایی سینمای آخرالزمانی هالیوود

گروه غرب و مهدویت، مرکز تخصصی مهدویت؛ حجت الاسلام مسعود زائری

صنعت سینما در جهان کنونی به عنوان یکی از مهمترین و اصلی ترین ابزارهای تأثیرگذاری بر مخاطب شناخته شده است. در این بین دنیای رسانه ای هالیوود با در دست داشتن کمپانی‌های ثروتمند و عریض و طویل تولید فیلم، اصلی ترین نقش را در تولید فیلم و سریال برای مخاطب جهانی بر عهده دارد.

هرچند ورود صنعت سینمایی هالیوود به عرصه موضوعات آخرالزمانی سابقه‌ای دیرینه دارد؛ اما مشاهده و رصد تولیدات این مجموعه در چند دهه اخیر گواه آن است که ساخت محصولات سینمایی با این مضامین به طور فزاینده‌ای در حال گسترش است؛ محصولات آخرالزمانی که در اکثریت قریب به اتفاق آنها شاخصه نابودی حیات بشر به واسطه اتفاقات و حوادث مهیب و ناگوار به چشم می‌خورد. در این بین باید توجه داشت قطعاً اکثرت چنین تولیداتی نمی‌تواند بدون پشتوانه‌های فکری و ایدئولوژیک صورت گیرد. بر همین اساس در ادامه سعی می‌شود چند کارکرد اساسی فیلم‌های آخرالزمانی هالیوود به اختصار بیان گردد.

کارکرد اول: تلاش برای نظام مند جلوه دادن حوادث آخرالزمانی

در فقرات مختلفی از کتاب مقدس مسیحیان، مشاهده می‌شود که در توصیف وقایع آخرالزمانی قبل از بازگشت عیسی مسیح علیه السلام، به حوادث و اتفاقات ناگواری اشاره شده است که هرکدام به گونه‌ای تهدیدی برای نوع بشریت هستند. بر همین اساس یکی از رسالت‌های مهم فیلم‌های آخرالزمانی هالیوود این است که مخاطب را به این مهم متوجه سازد که در فرایند رسیدن به دوران طلایی عصر ظهور منجی، وقوع اتفاقات و حوادث مهیب جزئی از این چرخه طبیعی می‌باشد و به صورت نظام مند اتفاق خواهد افتاد و راه گریزی از آن وجود ندارد.^۲



کارکرد سوم: استفاده از زبان طنز برای کاهش ترس از وقایع آخرالزمانی

فیلم‌های آخرالزمانی با زمینه طنز از آن دسته تولیداتی است که در سال‌های اخیر به تعداد آنها افزوده شده است.

فیلم‌هایی مانند «این آخرشه!» (This is the End)

و یا «پایان جهان» (The World's End)

از جمله آثار آخرالزمانی سینمای هالیوود هستند که در آن‌ها سعی شده با زبانی طنزگونه، اتفاقات آخرالزمانی به نمایش درآید. از جمله کارکردهای استفاده از زبان طنز در این گونه فیلم‌ها می‌توان به کاهش ترس از اتفاقات مهیب آخرالزمانی اشاره کرد.

لازم به ذکر است در این نوع آثار، حوادث آخرالزمانی مورد نفی و یا انکار قرار نمی‌گیرد؛ بلکه سعی می‌شود با تکرار مواجهه مخاطب با اینگونه فیلم‌ها، به مرور زمان نگاه او به اتفاقات، نگاهی طنزآلود و عادی گردد و از ترس او نسبت به این وقایع کاسته شود.

کارکرد چهارم: القاء مخفیانه یا آشکار باورهای مذهبی یا سیاسی

تصور اینکه برخی کمپانی‌های عظیم فیلمسازی در هالیوود تنها به قصد سودآوری اقتصادی یا صرفاً جهت سرگرمی مخاطبان جهانی در پروژه‌های بزرگ و پرهزینه فیلم‌های آخرالزمانی مشارکت می‌کنند، گمانی ساده لوحانه و دور از واقعیت است. برخی نمادهای مذهبی یا سیاسی در اینگونه فیلم‌ها آنچنان پررنگ است که به قول معروف حتی صدای آشیپ‌راهم درمی‌آورد!

کافی است به برخی از این نمادها در فیلم‌های بسیار معروف ژانر آخرالزمانی همچون سه گانه ماتریکس (The Matrix)، آرماگدون (Armageddon)، آگاهی (Knowing، 2012) یا جنگ جهانی زد (World War Z) بنگریم تا به القاء آشکار یا مخفی این موارد در محصولات پرفروش آخرالزمانی هالیوود دقیقین کنیم.

بدیهی است کارکردهای سینمای آخرالزمانی هالیوود محدود در چند مورد ذکر شده نیست و تولیدکنندگان فیلم‌های سینمایی آخرالزمانی اهداف و انگیزه‌های متعددی از تولید چنین محصولاتی را دنبال می‌کنند.

تحلیل فیلم‌های آخرالزمانی و دستیابی به اهداف و انگیزه‌های تولید انبوه این محصولات، اقدام مهمی در زمینه بصیرت‌افزایی و مواجهه عالمانه با هجمه‌های دشمن در عرصه محصولات رسانه‌ای است.

۱. اولین فیلم ساخته شده در این زمینه مربوط به سال 1916 و با عنوان «پایان جهان» (دانمارکی Verdens Undergang) است.

2. The Functions of Apocalyptic Cinema in American Film, p4

نقش انتظار در مهندسی فرهنگ مقاومت



هر فرهنگی بر سه نظام «شناخت ها و باورها»، «ارزش ها و گرایش ها» و «کردارها و رفتارها» مبتنی است. گفتمان انتظار بر هر سه عرصه تأثیرگذار است.

يك. نقش انتظار در نظام شناختی و باوری فرهنگ مقاومت

گاهی «انتظار»، در روایات به عنوان اصلی اعتقادی مسلم مطرح شده است؛ به نحوی که «انتظار قائم» شرط پذیرفته شدن اعمال بندگان معرفی شده است. در روایت دیگر، انتظار، از اصول دین اهل بیت علیهم السلام، شمرده شده است. چنین انتظاری دارای مؤلفه های بینشی فراوانی است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

اضطرار به حجت

منتظر واقعی کسی است که از همه دادرسان دنیوی دل بریده و به دنبال پناه گاهی الهی در سایه حکومت جهانی ولی الله به انتظار نشسته است و در نهایت نیاز و اضطرار به حجت به سر می برد. اگر منتظران به چنین مرحله ای برسند، همه يك صدا خواهان تشکیل مدینه فاضله موعودی خواهند بود که باعث آمادگی یاری و جانبازی در رکاب حضرت برای رسیدن به اهداف والای اومی باشد بنابراین، نیاز و اضطرار به حجت از مؤلفه های اصلی انتظار و مایه پایداری در برابر تمام تمایلات و جذبه هادر مسیر انتظار است.

بصیرت و باور عمیق

انتظار حجت، به بصیرت و معرفت قلبی به آرمان های موعود نیازمند است. از این رو، لیاقت همراهی ایشان بر اعتقاد قلبی و معرفت حقیقی منوط شده است. دل های منتظران از روی معرفت و یقین قلبی همچون پاره های آهن سخت است که در برابر هر تندبادی مقاوم است: **قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ**.

از جلوه های نقش بصیرت در تحقق فرهنگ مقاومتی، می توان به نامشروع و غاصبانه دانستن جایگاه سلاطین و وجوب کناره گیری از آنان از سوی ائمه علیهم السلام اشاره کرد. در فرهنگ مقاومتی شیعه، تحریم و ممنوع کردن هر نوع وابستگی، گرایش و همکاری با دستگاه خلافت مشروع بود؛ به نحوی که علمای شیعه هرگونه همکاری با دستگاه ظلم را حرام دانسته اند و طرح شکایت و دادخواهی از محاکم قضایی و حقوقی وابسته به دستگاه خلافت از سوی ائمه علیهم السلام تحریم و به منزله رجوع به طاغوت شمرده شده است.

بنابراین، در قاموس اعتقادی شیعه، تنها امام است که حق ولایت و حاکمیت بر مردم را داراست و هر حکومتی که بر مبنای ولایت شکل نگیرد، نامشروع است و در برابر چنین حکومتی مقاومت می شود و سزاوار مبارزه خواهد بود تا زمانی که قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه التوفیق شکل گیرد، باید در برابر همه مستکبران عالم و حاکمان جائز زمانه ایستاد و برای برپایی عدالت فراگیر جهانی تلاش کرد.

اندیشه صبر و پایداری

آموزه صبر و پایداری در راه آرمان جهانی موعود و روحیه استقامت تا رسیدن به این هدف، از مهم ترین مؤلفه های انتظار است و چه بسا بتوان صبر و مقاومت را بن مایه اصلی انتظار دانست؛ به نحوی که با از دست رفتن صبر و پایداری در امری، انتظار آن بی معنی است.

در بسیاری از روایات، صبر و انتظار فرج در کنار هم آمده است.

صبر و مقاومت در برابر مشکلات و اذیت هایی که مؤمن در راه انتظار ظهور تحمل می کند، برترین عبادت شمرده شده و پاداش چنین صبری محشور شدن در زمره اهل بیت علیهم السلام و نظیر جهاد با شمشیر در رکاب و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عنوان شده است. چنین پاداش بی نظیری برای صبر در مسیر انتظار، فرهنگ مقاومت را در بین شیعه نهادینه می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی ملاقات خود را با برادران آخرالزمانی خویش آرزو می کند و آن ها را کسانی می داند که در حفظ دین خود بسیار مقاومت دارند. مقاومت آنان از کسی که «خارهای قناد» را با دست بتراشد یا کسی که آتشی گیرا به دست دارد، بیش تر است.

زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت سراسر مبارزه و جهاد و پایداری در تبلیغ رسالت الهی خویش بود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در برابر سختی ها و فشارها با پایداری و استقامت، دین الهی را پیش برد و فشارهایی نظیر تهدید، تطمیع، نسبت های ناروا، شکنجه و آزار بر ایشان وارد می شد تا آن جا که بنا به گفته ایشان: هیچ پیامبری در راه خدا به اندازه من اذیت نشد.



ایثار

باور «ایثار» که از عناصر تشکیل دهنده فرهنگ مقاومت است، از مؤلفه های اثرگذار و حرکت آفرین انتظار شمرده می شود. ایثار به معنای برگزیدن غرض دیگران بر غرض خود و مقدم داشتن مصلحت غیر بر منفعت خود است و ارزشی است که از تلاش و فداکاری در راه خدا حاصل می شود.

ایثار و فداکاری منتظران تا حد فدا کردن جان خود در راه حضرت می باشد. یاران امام به گرد امام خویش می چرخند و با جان خود از ایشان محافظت می کنند.

امیرمؤمنان علیه السلام، ایثار پیامبر صلی الله علیه و آله را چنین توصیف می کند: درحالی که مردم از لحاظ امکانات مادی و آزمایش در وضع مطلوبی بودند، اهل بیت علیهم السلام خودشان از امکانات ساده زندگی بی بهره بودند.

یاران حضرت نیز سختی ها را به جان خواهند خرید و از خوشی ها چشم خواهند پوشید تا دیگران از این خوشی ها بهره مند باشند و از این رهگذر قلب انسان ها را به قطب عالم متوجه سازند.

حساسیت نسبت به انحرافات

در انتظار، کجی ها و منکرات، موضوعی نامطلوب و ضد ارزش معرفی می شود. ایستادگی در برابر منکرات، از جمله اقدامات بارز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم در زمان ظهور است که در کنار عمل به کتاب الله ذکر شده است.

در این زمان است که به دلیل شدت فساد و تباهی، قلب مؤمن به سختی ذوب می شود:

فَعِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذَابُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَغْيِرَهُ؛

در آن زمان (قبل از ظهور) قلب مؤمن، به خاطر منکراتی که می بیند و نمی تواند تغییر دهد، همچون نمک که در آب حل می شود، در پوسته خود آب می شود.

خودانگیزی و عزت

«خودانگیزی» و «عزت نفس» از مهم ترین جلوه های سیاسی اجتماعی انتظار است. انتظار، مشروعیت حاکمان جور را نفی می کند و ظلم پذیری و مرعوب شدن در برابر قدرت های ظالم را نمی پذیرد و خودانگیزی و عدم وابستگی به سلطه گران را ترویج می کند. انسان منتظر نگاه به درون دارد و دائماً تلاش می کند که خود و جامعه را برای ظهور آماده سازد و این، یعنی نقطه اتکا بر تك تك آحاد جامعه برای ساختن جامعه ای آرمانی بستر ساز، که عدالت در آن فراگیر است و ظلم و ستمی در آن راه ندارد. از این رو، انتظار مبارزه با سستی و بی تفاوتی و قعود و ظلم پذیری است.

در این جامی سزد به نمونه ای روشن از نقش عزت در خلق فرهنگ مقاومت اشاره کنیم: یکی از مقاطع سخت تاریخی برای جبهه حق، قرار گرفتن در محاصره شعب ابی طالب بود که پس از رویارویی مسلمانان با نظام سلطه و حاکمیت باطل از سوی جبهه باطل اعمال شد. پایداری پیامبر و اصحاب در برابر خواست مشرکان مبنی بر دست برداشتن از اسلام، روشن ترین الگوی فرهنگساز مقاومت است. چهل نفر از چهره های سرشناس قریش قراردادی را به دیوار کعبه آویختند که داد و ستد و وصلت با بنی هاشم و بنی مطلب ممنوع باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروان ایشان به ناچار مکه را به قصد اقامت در دره ای به نام شعب ابی طالب ترك کردند. در این شرایط سخت و رقت بار، یاران پیامبر اغلب گرسنه بودند. بی تردید الگوی رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب در چنین وضعیت سخت و اسف باری، نوعی الگوی فرهنگی برای تثبیت فرهنگ مقاومت در بین مسلمانان محسوب می شود.

دو نقش انتظار در نظام ارزشی و گرایشی فرهنگ مقاومت

بر اساس برخی روایات، منتظران ظهورش برترین انسان های عالم از ابتدا تا انتها هستند؛ چراکه به کمال عقلی و معرفتی دست یافته اند و جایگاه مجاهدینی را دارند که در پیشگاه رسول الله جهاد کرده اند. منتظران همانند کسانی اند که در راه خدا به خون خود غلتیده اند و هرچند در بستر جان داده باشند؛ مانند کسی هستند که در خیمه گاه حضرت حضور داشته و به همراه حضرت شمشیر زده است. در واقع انتظار، آموزه ای ارزشی و مطلوب است و آثار ارزشی نیز بر آن بار می شود.

انسان مؤمن می خواهد در برابر مفسد قیام کند و آن مفسد را از بین ببرد. هرچند رفع همه منکرات، قبل از قیام حضرت مقدور نیست؛ وجود شاخصه مقاومت در برابر منکرات و تلاش در مبارزه با آن در انسان منتظر بسیار اهمیت دارد. از جلوه های فرهنگ مقاومتی منتظران، مقاومت در برابر آزارسوزنش کنندگان است.

آلایش های زمانه، سبک زندگی ماده محور و بر اساس جذابیت های جامعه غرب، غوطه ور شدن در شهوات، فرهنگ مادی گری، سکولاریزم و انسان محوری نه تنها مطلوب نیست؛ بلکه انسان منتظر تمام قد در برابر آن مقاومت می کند؛ چراکه انسان منتظری که دوست دارد از اصحاب قائم باشد، وظیفه دارد در برابر محرمت و پیروی از شهوات و فرهنگ ناشی از آن مقاومت کند.

سه. نقش گفتمان انتظار در نظام رفتاری فرهنگ مقاومت

انتظاری که خود بالاترین فرج است و بافضیلت ترین جهاد امت رسول الله است؛ مستلزم همان مقاومت و مجاهده و تلاشی است که در درگیری در میدان مبارزه و جهاد نیاز است و چه بسا این مقاومت و جهاد در راه انتظار، از جهاد در میدان جنگ بافضیلت تر باشد.

مجاهده در راه خداوند متعال

انتظار فرج که خود جهادی تمام عیار است؛ طالب مجموعه ای از صفات جهادی است و آرزوی شهادت، روحیه جهادی را در دل منتظران نهادینه ساخته است: «يَتَمَنَّوْنَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ». از این رو، منتظران جهادگرانی هستند همچون کوه، استوار که هیچ تندبادی عزم پولادین آن ها را به لرزه در نیورد؛ از هیچ میدان مقاومتی شانه خالی نکنند و ترسی به دل راه ندهند. یاران مهدی در میدان نبرد و جهاد نیز مجاهده می کنند تا توحید را در عالم گسترده سازند: يَقَاتِلُونَ وَاللَّهِ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ؛ آن قدر می جنگند تا یکتا پرستی بر همه جا حاکم شود.

طبعاً وصول به چنین آرمانی با مشکلات بی شماری همراه است. در برخی از روایات دوره ظهور آکنده از مشکلات فراوان است که به پایداری همه جانبه برای تحقق اهداف قیام حضرت نیاز دارد. بر اساس برخی از روایات، امام صادق ع حکومت داری اهل بیت ع را با سختی هایی نظیر شب گردی، نگهبانی شبانه، تلاش روزانه، پوشاک زبر و خشن و خوراک سخت همراه دانسته اند و در روایاتی امام صادق ع اصحابش را از این که به سختی ها و مشکلات دوران ظهور متوجه نیستند و برای ظهور قائم عجله دارند، توبیخ می کنند.

غریب شدن اصحاب مهدی ع با آزمایش و ابتلای آنان صورت می پذیرد و تنها کسانی که مقاومت و پایداری بیش تری داشته باشند، در این گروه باقی خواهند ماند. بنابراین، می توان مهم ترین ممیزه یاران مهدی ع را مقاومت و استقامت آن ها دانست. گفتنی است سیر حرکت جهادی و مقاومت مسلمانان در برابر جبهه باطل به جهت پیشبرد اهداف الهی اسلام از جنگ ها و غزوات دوران پیامبر ص آغاز گشت و در جریان حرکت شکوهمند امام علی ع، با ساماندهی برای پایداری در برابر توطئه خطرناکی همچون جریان قاسطین، مارقین و ناکثین ادامه پیدا کرد. بعد از ایشان، امام حسن ع با حمایت فراگیر مردم، اولین اقدام را در مقابله با جریان بنی امیه قرار داد و چنان بنیان های تزویر اموی را به لرزه درآورد که معاویه شبانه روز به فکر مصالحه افتاد. حرکت امام حسین ع نیز در جهت مقاومت در برابر ظلم و در تداوم حرکت های علوی و حسنی به جهت اصلاح ناهنجاری ها بود که تشکیل دهنده حرکتی چالشگر و مقاوم در برابر حاکمیت ظلم شد.

امام حسین ع در جهت مبارزه با بی دادگری، الگویی پایدار به جای گذاشت و نهضتی را بر پا ساخت که در دشوارترین شرایط با کم ترین امکانات و کمی یاران در برابر ظلم و ستم پایداری کند و الگویی کامل از ظلم ستیزی را به همه عالم نشان دهد. فشارهای مداوم شیطان صفتان نتوانست امام حسین ع را تسلیم کند؛ بلکه این حسین ع بود که با پایداری مثال زدنی تومار ظلم اموی را در هم پیچید و او را ننگ تاریخ قرار داد؛ به طوری که با وجود گذشت قرن ها از فاجعه خونبار کربلا، هنوز گرمی عشق به امام حسین ع و یارانش در دل شیعیان و حق طلبان جهان سرد نگردیده و مایه مقاومت و پایداری آنان در برابر ناملایمات گشته و حضرت مهدی ع، که خود اسطوره ظلم ستیزی است، قلبی آتشین تر از آن حادثه دارد؛ به گونه ای در سوگ جدش، شبانه روز اشک ریزان است و یاران حقیقی وی نیز با شعار «یا لثارات الحسین» قیام خود را آغاز می کنند.

رعایت تقوای الهی.

در يك روايت، به مؤمنين صالحی اشاره شده است که خداوند به واسطه آنان عدل و داد بر پامی کند: **ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلِكُونَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا؛** آن گاه خداوند قومی صالح به وجود آورد و آن ها زمین را پراز عدل و داد کنند چنان که پراز ظلم و ستم باشد و حضرت نیز از یاران خود میثاق گرفته تا گناه نکنند و سوء رفتار از خود نشان ندهند.

از این رو، شرط لازم این گروه صالح بودن و پاک بودن از گناهان است. بنابراین، منتظران حقیقی ابتدا باید مقاومتی درونی در برابر گناهان داشته باشند و سپس در برابر کجی های دیگران از خود پایداری نشان دهند و در برابر سوء رفتار دیگران مقاومت کنند. عدم ایستادگی در برابر منکرات و بی توجهی به گناهان رایج در جامعه، از جمله فسادهای دوران قبل از ظهور معرفی شده است. در آخر الزمان از مصادیق اشاعه فحشا عدم توجه به فریضه امر به معروف و نهی از منکر دانسته شده است و در روایاتی از این که در آخر الزمان در برابر معاصی مقاومتی وجود ندارد، مذمت شده است.

تبلور رفتار مقاومتی در زمانه ای اوج می گیرد که فساد و تباهی در نهایت خود قرار دارد؛ چرا که بر خلاف جریان تباهی شناکردن و به ساحل انتظار رسیدن، مقاومتی بس قوی نیاز دارد

زمینه سازی برای حاکمیت حق

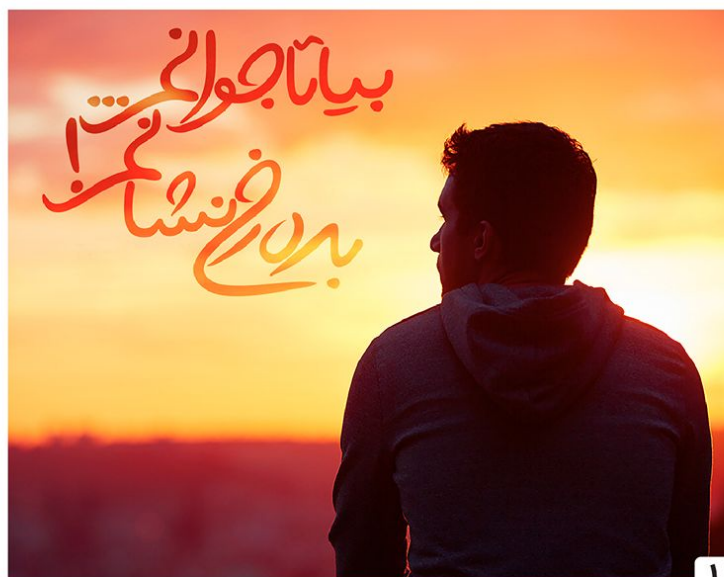
تربیت نظام فکری شیعه در مدرسه اهل بیت علیهم السلام بر اساس اصل اساسی انتظار بوده است. انتظار یعنی آماده باش کامل و تحت فرماندهی امامی که هر لحظه ظهورش متوقع است. مرحوم مجلسی انتظار و کسب آمادگی را برای یاری حضرت در کنار هم، به عنوان وظیفه منتظر بیان کرده است. علی بن یقطين زمانی که از امام کاظم علیه السلام علت عدم تحقق وعده های فرج که به شیعه داده شده است، می پرسد؛ امام چنین تبیین می کنند که همواره از شیعه خواسته شده است که در آمادگی مستمر به سر ببرد و فرج را نزدیک بشمارد تا آتش درونی اش به سردی نگراید. این آمادگی مستمر، بزرگ ترین فرهنگ سازی نوین شیعه برای مبارزه با ظالمان و حاکمان طاغوت است.

آموزه های اهل بیت علیهم السلام، ظهور را به دغدغه دائمی شیعیان مبدل ساخت. ترغیب به کسب آمادگی برای ظهور، و لو با تهیه يك تیر یا آماده کردن مرکبی برای همراهی با اهل بیت علیهم السلام؛ یا آمادگی با شمشیر آخته؛ از جلوه های چنین تعلیمی است و هدف از آن، آماده سازی شیعه در بستر تاریخ برای نفی حاکمیت طاغوت و نهادینه سازی فرهنگ مقاومت است. در دعای عهد، منتظر واقعی انسان خود ساخته ای است که شمشیر از نیام کشیده و با نیزه در دست، برای همراهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف آماده است. چنین انسانی آیا در برابر ظلم ظالمان ساکت است، یا در جهت زمینه سازی ظهور هر اقدامی را در جهت نفی حاکمیت ظلم انجام می دهد؟!

گریزناپذیری تقابل حق و باطل، مستلزم آمادگی و تدارك است و در این راه، نهایت تلاش خود را داشته باشند:

تدارك و آمادگی، دارای نموده های متعددی است؛ از جمله پایبندی به عقیده حق که وجود انسان را از ثبات آرامش و یقین سرشار می سازد، برنامه ریزی، اتکا بر خود و اقدام مناسب را نیز شامل می شود. بنابراین، نهادینه سازی فرهنگ مقاومت از فراهم آوردن همه آمادگی ها و گردآوری تمام توان ها حاصل می شود.

برای مطالعه نسخه کامل مقاله
و دریافت منابع روایات کد
زیر را اسکن و یا روی آن کلیک کنید



یکی از انگاره‌های اهمیت دار در تربیت و بالندگی اخلاقی و روحی انسان‌ها، فراگیری و شمول آن به همه افراد اجتماع است؛ یعنی همگان باید در سطوح و مراحل مختلف زندگی، از برنامه‌های تربیتی و اخلاقی برخوردار شده و به تزکیه و تهذیب نفس و حکمت آموزی و خردورزی بپردازند.

اگر بخش‌هایی از اجتماع - ولو اندک - از طهارت نفس و اخلاق فاضله بی بهره باشند، بخش‌های دیگر را به تباهی کشانده و مانع تأثیر برنامه‌های تربیتی می‌شوند. مهم‌تر از آن، افراد هنجار شکن و تباه‌گر، خود از موانع اصلی تعلیم و تربیت بوده و همواره درصد انحراف و اغوای دیگران و افساد جوامع بر می‌آیند. به همین جهت تعلیم و تربیت واقعی، آن است که شامل همه افراد بشر بوده و برای همگان، راه کارهای مناسب اصلاح و بازسازی اخلاقی ارائه دهد.

بصیرت اخلاقی در عصر ظهور

سازوکار و روش‌ها

حجت الاسلام رحیم کارگر
قسمت دوم



در هر جامعه، بهترین برنامه‌ها و قوانین، باید به دست بهترین و شایسته‌ترین افراد و مجریان اجرا شود. به همین دلیل ساختن انسان و پرورش و رشد افرادی صالح و خردورز، مقدمه اصلی برای تشکیل هر نظام صالح و انسانی است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نخست به تربیت انسان‌ها می‌پردازد تا دیگر برنامه‌های اجتماعی خود را به شایستگی انجام دهد و عدالت، دادگری، قانون‌گرایی، صلح، امنیت، آرامش و... را در سطح جامعه پایدار سازد. در این شماره سعی می‌شود مکانیسم‌ها و سازوکارهای برگرفته از روایات و منابع دینی و براساس رویکرد جامع فرهنگی، تبلیغی ذکر شود:

رویکرد جامع فرهنگی، تبلیغی

براساس این رویکرد، (بصیرت اخلاقی) و تعلیم و تربیت قدسی انسان، براساس برنامه‌های جامع فرهنگی، تبلیغی و فراگیری و تعمیم ارشاد دینی و هدایت‌گری به همه انسان‌ها در تمام نقاط جهان، به دست می‌آید و نشان دهنده اهمیت اصلاح و تربیت فرد و جامعه، در تمامی سطوح و مراحل است. مکانیسم‌های جامع فرهنگی، تبلیغی عبارت است از:

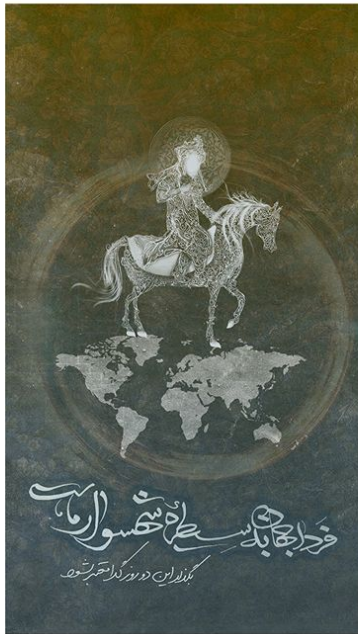
فرهنگ سازی جامع

عصر ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه و زدودن خرافات، پیرایه‌ها و آداب و رسوم ناسالم و غیر مفید است. همچنین عصر فعالیت‌های گسترده فرهنگی است؛ یعنی، بعضی از مشکلات و کاستی‌های جامعه، از طریق فرهنگی (تبلیغی و آگاهی بخشی و ارشادی)، قابل حل است و اقدامات حکومت جهانی نیز، بیشتر ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد. در این برهه نورانی، انسان‌ها به عمق و زشتی مفساد اخلاقی پی می‌برند و از آلودگی‌ها بی‌زار می‌گردند و این تنها در سایه ترویج و تعمیم «فرهنگ برتر دینی» است؛ یعنی، فرهنگ سالم دینی در همه سطوح گسترش می‌یابد و ماهیت امور فرهنگی می‌شود.

در روایتی می‌فرماید: «[امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و... دعوت می‌کند» (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷، ج ۴۹) و نیز: «بر تقلین (انس و جنس) پیروز می‌شود و ریشه پستی و انحراف را از روی زمین بر می‌دارد». (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۵، ج ۵۵)

این فرهنگ سازی جامع، همان اصلاح‌گری اخلاقی و الهی است که جامعه و انسان‌ها را از فساد و انحطاط فرهنگی به دور می‌سازد: «او این امت را پس از آنکه تباه [و فاسد] شده‌اند، اصلاح می‌کند». (کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۳)





در عصر ظهور، تعلیم و تربیت، جهانی، فراگیر و کارآمد بوده و شامل همه گروه‌های سنی، فکری، اعتقادی، سیاسی، جغرافیایی و... می‌شود. کسی نیست که از این هدایت‌گری و تربیت‌ها بی‌بهره باشد و همچنان بر تباهی و ناراستی خود باقی بماند. در روایات آمده است:

«روی زمین کافری باقی نمی‌ماند جز اینکه ایمان می‌آورد و شخص ناشایستی نمی‌ماند، جز اینکه به صلاح و تقوا می‌گراید». (الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰)

«شَرُّ از بین می‌رود و خیر باقی می‌ماند... زنا و شراب خواری و ربا ریشه کن می‌شود». (منتخب الأثر، ص ۵۹۲، ح ۴)

«... او به کتاب خدا عمل می‌کند و زشتی در شما نمی‌بیند؛ مگر اینکه از آن نهی می‌کند». (کافی، ج ۸، ص ۳۹۶، ح ۵۹۷)

«[به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک]، فتنه‌ها و چپاولگری‌ها از بین می‌رود و خیرات و برکات بسیار می‌شود». (منتخب الأثر، ص ۲۰۹، ح ۴۹)

«خداوند به دست او دروغ‌گویی را از بین می‌برد و روزگار سخت را برمی‌اندازد».

(کتاب الغیبة، ص ۱۸۵)

بهره‌وری از هدایت‌های کلامی

(عصر ظهور) دوران رهایی انسان از این کاستی‌ها و ناراستی‌ها در پرتو عمل به دستورات الهی - به خصوص ارزش‌های اخلاقی - و برپاداشت قوانین دینی است.

«جای پای در روی زمین نمی‌ماند جز اینکه به آنجا گام می‌نهد و آیینی را که از سوی خداوند واجب گشته، اقامه می‌کند».

(کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱)

«زمین را مهد (زندگی) می‌سازد و سنت و واجبات (دینی) را زنده می‌کند».

(مردم جهان) را به ملت و آیین من در می‌آورد و آنان را به کتاب پروردگار من دعوت می‌کند».

(کمال الدین، ج ۲، ص ۶۱، ح ۶)

طبق روایت امام باقر علیه السلام نیز آن حضرت دست خود را بر سر تمامی بندگان خدا می‌گذارد و عقول آنها را متمرکز و اخلاقتان را کامل می‌کند.

(الخرائج والجرائج، ج ۲، ص ۸۴۱)

یکی از مؤلفه‌های مهم در تعلیم و تربیت، بهره‌وری از کلام نافذ و تأثیرگذار و بیان صریح و مهرورزانه تعالیم و ایده‌ها است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در شیوه تربیتی خود، از روش کلامی مستقیم، بهره‌کاملی می‌برد و با سخنان نورانی خود، بر روح و روان مخاطبان تأثیر گذاشته و تاثر فای وجود آنها نفوذ می‌کرد. این شیوه، همواره مورد توجه بوده و به خصوص از سوی اساتید به کار گرفته می‌شد. بیان صمیمی و شفاف نکات اخلاقی و تربیتی و آگاهی بخشی درباره خیر و شر، سعادت و ضلالت، نور و ظلمت، راستی و کثی، ارزش‌ها و ناهنجاری‌ها و... موجب رشد فکری و اخلاقی انسان شده و او را از غفلت، بی‌خبری و جهالت خارج می‌کند.

حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور و از کنار خانه مکرم الهی، برنامه‌های خود را با سخنان روشن آغاز می‌کند و مردم جهان را با آموزه‌های وحیانی و ارزش‌های بایسته انسانی آشنا می‌سازد و آنها را به نیکی‌ها، حقایق و کتاب الهی دعوت می‌کند. تأثیر کلام رسا و دلنشین آن حضرت در هدایت و تربیت انسان‌ها و خردورزی و دانایی آنان قابل انکار نیست. در روایات آمده است: «او مردم را به سوی کتاب خدا، سنت پیامبر و ولایت علی بن ابی طالب... دعوت می‌کند».

(تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۷، ح ۴۹)

«او حق را با کلماتش تأیید می‌کند و پشت کافران را در هم می‌شکند».

(نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۴، ح ۳۵)

اجرای بهینه قوانین الهی و گزاره‌های اخلاقی

پایبندی به دستورات و تکالیف دینی (قوانین الهی) و گزاره‌های استوار اخلاقی، راز پویایی و ماندگاری جوامع و راه درخشان بهروزی و رستگاری انسان‌ها است. عدم اجرای کامل و بهینه آنها یا به کار بستن ناقص و ضعیف آنها در اجتماع، موجب زوال آن و زندگی مضطرب، نابسامان، غیر الهی و غیر اخلاقی می‌شود. سستی در اجرای حدود الهی، عمل به قوانین بشری مخالف با دستورات دینی، تبعیض و برخورد چندگانه با تکالیف دینی، تفسیر و تحلیل شخصی و نادرست از آنها، غرق شدن در زندگی مادی و... موجب دوری بشر از خدا و معنویت شده و او را در گرداب ناملایمات اخلاقی می‌اندازد.

شمه ای از جلوه های رأفت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجَه الشریف

محبت و مهر و وفای آن حضرت چیزی نیست که بتوان در صفحاتی کوتاه از آن سخن راند و حق مطلب را ادا نمود؛ امامی توان چند نکته ای را جهت تذکر بیان کرد و دل های مالامال از عشق پیروان حضرتش را برای لحظاتی به دریای مهر و رحمت آن گرامی پیوند داد؛ چرا که امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجَه الشریف غمخوار حقیقی امت و پدر مهربان مردم غم دیده و محنت کشیده است.

حضرت رضا عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى در خطبه ای که در روز جمعه در مسجد جامع مرو ایراد نمود، به این نکته اشاره می کند و می فرماید:

«الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَمَفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ؛

امام دوستی همدل، پدری دلسوز، برادری تنی، مادری مهربان به فرزند کوچک و پناه بندگان در مواقع دشوار زندگی است.» غیبت نعمانی ص ۲۱۸

البته این سخنان بدان معنا نیست که امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجَه الشریف هیچ گونه برخوردی با دشمنان خود نمی کند. مهر و قهر امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجَه الشریف همانند اجداد مطهر خویش است؛ همچنان که رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای اصلاح جامعه گاهی دست به شمشیر می برد و با دشمنان خود به شدت تمام برخورد می کرد، امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجَه الشریف نیز چنین خواهد بود. ولی آنچه این نوشتار آن را دنبال می کند، بیان جلوه هایی از مهر و رأفت امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجَه الشریف است؛

محبت ها و الطاف ظاهری و باطنی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نسبت به تمام انسان ها بویژه یاران و دوستدارانشان، حقیقتی انکار ناپذیر است؛ چرا که آنان معدن کرامت، رأفت و رحمت الهی برای عموم مردم می باشند.

قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم.» انبیاء/ ۱۰۷ آن حضرت جلوه ای از رحمت بی پایان الهی است. دلسوزی و مهربانی های رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آیات متعددی مطرح شده و در سیره آن حضرت آشکارا به چشم می خورد.

آئمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز که تداوم بخش راه رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جانشینان به حق ایشان هستند، از این ویژگی مهم حضرتش، تمام و کمال بهره رداشته اند. البته حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نه تنها در صفت مهرورزی و دلسوزی؛ بلکه در سایر کمالات نیز از آن حضرت ارث برده اند.

بنابراین، همان طور که قرآن کریم پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به عنوان رحمت برای جهانیان معرفی می کند، تمام آئمه عَلَيْهِمُ السَّلَام از جمله حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجَه الشریف نیز از همان رحمت و عطوفت محمدی نسبت به بندگان خدا برخوردارند. از اینرو، در آخرین فرزهای دعای ندبه از خداوند متعال درخواست می کنیم که:

«وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزًا عِنْدَكَ؛ خداوند! برای ما رأفت و رحمت و دعا و خیر او (حضرت ولی عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجَه الشریف) را عنایت کن تا به این وسیله به دریای رحمت و کامیابی در نزدت نایل شویم.»



جلوه رحمت الهی

افزون بر آثار رأفت آن حضرت در طول زمان غیبت، گسترده ترین جلوه های مهر و محبت و عنایات آن حضرت بعد از ظهور می باشد که اهل آسمان و زمین بعد از تحمل غم ها و اندوه های فراوان به شادمانی و سرور دست خواهند یافت. انسان های خسته از دشواری های سخت زندگی، و بی مهری های جفاکاران و ستمگران، عزت نفس خود را بازیافته و احساس نشاط و فرح خواهند نمود. آنان رحمت پروردگار عالمیان را در وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به روشنی مشاهده کرده، آن وجود گرمی را از دل و جان خواهند ستود.

رسول گرمی اسلام صلى الله عليه وآله در این باره می فرماید:

«يُفْرَخُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَالطَّيْرُ وَالْوَحْشُ وَالْحَيْتَانُ فِي الْبَحْرِ؛

اهل آسمان و زمین، پرندگان و حیوانات وحشی و حتی ماهیان دریا [در اثر گسترش رحمت و رأفت و عدالت و کرامت آن حضرت] شادی می کنند.»

دلائل الإمامة، ص ۴۶۸؛ لمعات، ص ۱۰۰

سفره گسترده مهر مهدوی نه تنها دوستان را شادمان می کند؛ بلکه مخالفان و دشمنان حضرتش نیز تا حدودی از آن بهره مند خواهند شد.

برگرفته از مجله مبلغان، ش ۵۸

عبدالکریم پاک نیا



از اینرو به برخی از مظاهر مهرورزی آن حضرت نسبت به مردم، خاصه دوستان و شیعیانش می پردازیم؛ چرا که بر این باوریم هر خیر و نیکی که به ما می رسد از ناحیه اوست و ما هر چه داریم، از لطف جوشان و محبت سرشار آن وجود مقدس داریم؛ هم چنان که فرمود: «ما رهبری شما را مهمل نگذاشته ایم و شما را از یاد نبرده ایم. اگر چنین بود، مشکلات سنگینی شما را احاطه می کرد و دشمنان شما را نابود می کردند.» الخرائج، ج ۲، ص ۹۰۲

آغوش مهر

مرحوم میرزای قمی، صاحب قوانین، در خاطرات خود آورده است: «با علامه سید مهدی بحر العلوم به درس آقا باقر بهبهانی می رفتیم و با او درس ها را مباحثه می کردیم و غالباً من درسها را برای سید بحر العلوم تقریر می نمودم، تا اینکه من به ایران آمدم. پس از مدتی، سید بحر العلوم بین علما، به عظمت معنوی معروف شد. من تعجب کردم و با خود گفتم او که این استعداد را نداشت، پس چطور به این مرتبه رسید؟! بالاخره توفیق زیارت عتبات عالیات نصیبم شد و در نجف اشرف ایشان را ملاقات کردم. در طی جلسه مسئله ای عنوان شد و دیدم جداً او دریای موج علم است و باید حقیقتاً او را بحر العلوم نامید. روزی در خلوت از او سؤال کردم: آقا! ما که با هم بودیم و آن وقتها شما این مرتبه از استعداد و علم را نداشتید!

فرمود: میرزا ابوالقاسم! جواب سؤال شما، از اسرار است! ولی به تو می گویم، اما از تو تقاضا دارم تا من زنده ام این موضوع را به کسی نگوئی. من قبول کردم و ایشان اول با اشاره گفت: چگونه این طور نباشد و حال آنکه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مرا شبی در مسجد سهله به سینه خود چسبانید. گفتم: چگونه به محضر آن حضرت رسیدید؟! فرمود: شبی به مسجد سهله رفته بودم. دیدم آقایم، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مشغول عبادت است. ایستادم و سلام کردم. امام سلام مرا پاسخ داد و فرمود: «مهدی بیا!» من مقداری جلو رفتم؛ ولی ادب را رعایت کرده، زیاد جلو نرفتم. فرمود: جلوتر بیا! پس چند قدمی دیگر نزدیک تر رفتم. باز هم فرمودند: جلوتر بیا! من نزد حضرت رفتم، تا آنجایی که دست آن جناب به من و دست من به آن حضرت می رسید. آنگاه آغوش مهر گشود و مرا در بغل گرفت و به سینه مبارکش چسبانید.

در اینجا آنچه خدا خواست به این قلب و سینه سرازیر شود، سرازیر شد.

رخسار آفتاب، ص ۳۵۴؛ نجم الثاقب، ص ۶۱۲

سیمای مهربان

حضرت آیت الله بهجت رحمته الله علیه فرموده است: شخصی می گفت: به همراه رفقا بودم که آقای را از دور در کوچه دیدم. به دلم افتاد که حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. با خود گفتم: وقتی رسید، در دل به او سلام می کنم؛ اگر جوابم را داد، معلوم می شود که خود حضرت است. هنگامی که از کنارش رد می شدیم، در دل به آن بزرگوار سلام کردم، تبسمی نمود و فرمود: علیکم السلام! به همراهان خود گفتم: آقا را دیدید؟! گفتند: کدام آقا؟! معلوم شد که آنها نه آقا را دیده اند و نه جواب سلام او را شنیده اند!

در محضر آیت الله بهجت، ص ۱۸۷



کلامی از آیت الله جوادی آملی درباره ابن فهد حلی وسید بحر العلوم و سید ابن طاووس

ابن فهد رحمته الله در بین علماء نظیر بحر العلوم رحمته الله؛ نظیر سید بن طاووس رحمته الله از آن علمای طراز اول اند؛ یعنی بعد از ائمه علیهم السلام وقتی علماء را بررسی می کنند خیلی فاصله دارد تا نوبت به صاحب جواهر رحمته الله و شیخ مرتضی انصاری ها برسد، آنچه که در صف مقدم دیده می شود سید بحر العلوم است، ابن طاووس است، ابن فهد حلی است؛ اینها کسانی هستند که مدعی اند ما شب قدر را شناخته ایم، اینها کسانی اند که بزرگان فقهای ما روی عظمت اینها صحه گذاشته اند وقتی شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه الشریف درباره عظمت های اینگونه از علماء صحه می گذارند آنگاه نوبت به دیگران که می رسد یقینا باید با خضوع بیشتری سخن بگویند.

این چند نفر جزء ستاره های صدر اول آسمان فقاہتند، سید بحر العلوم، ابن طاووس، ابن فهد، این ها که ارتباط تنگاتنگی با ولی عصر ارواحنا فداه دارند، به حضور حضرت مشرف می شوند سخنان حضرت را می شنوند، پیام حضرت را برای مردم نقل می کنند، آنها يك راه های خاص دارند، آنها کسانی اند که اهل ناله اند، اهل لابه اند، اهل سوزند، اهل دردند، آن ها نه تنها عالمندها عاملند، نه تنها عاملند که حرفشان پیام علم و عمل را به دیگران منتقل می کند.

علامه طباطبای رحمته الله از استادش سید علی قاضی طباطبایی رحمته الله عارف بزرگ نقل کرده که سه نفر در طول تاریخ عرفان به مقام «تمکن در توحید» رسیده اند که عبارتند از این سه نفر.

عدة الداعی و نجاح الساعی ترجمه حسین غفاری ساری، آیین بندگی و نیایش، مقدمه، ص ۷

تأملی در تشریف مرحوم میرزا مهدی اصفهانی به محضر امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

شیخ روح الله شفیعیان

متأسفانه بسیاری از اوقات در اثر کم دقتی مردم و یا حتی ذاکرین و اهل منبر، وقایعی در تشریف بزرگان خدمت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ بر سر زبان‌ها می‌افتد که یا از بن صحت ندارد و یا تغییراتی در آن راه یافته است. از جمله این موارد تشریف مرحوم آیه‌الله میرزا مهدی اصفهانی محضر مبارک امام است که متأسفانه ارادتمندان ایشان سال‌هاست در محافل مذهبی برای مردم نقل می‌کنند.

اما وقتی در سال ۱۳۸۷ مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، کتاب خود مرحوم میرزا مهدی اصفهانی یعنی «ابواب الهدی» را به صورت کامل و با تحقیق آقای حسین مفید منتشر ساخت و تصویر دست‌نوشته میرزا را هم درباره این واقعه به ضمیمه ارایه نمود، معلوم شد اصل ماجرا خواب یا مکاشفه‌ای است که مرحوم میرزا در حدود سال ۱۳۰۰ در سن ۳۶ سالگی در نجف اشرف داشته‌اند و در آن هم امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ رؤیت نشده‌اند؛ بلکه مرحوم میرزا تنها برگه‌ای در دست خود دیده که در پشت آن نوشته شده بود «من حجت بن الحسن هستم» و در این چندین سال که از رحلت آن مرحوم گذشته چه ساز و برگ‌ها که بر آن نبسته‌اند!! البته مرحوم آیت الله شیخ علی نمازی که از شاگردان مرحوم میرزا اصفهانی بوده در جلد دهم کتاب «مستدرک سفینه البحار» در ضمن زندگی‌نامه مرحوم میرزا، داستان را بدون اندک تغییری نقل نموده‌اند.

تفصیل ماجرا از این قرار است که مرحوم میرزا در دوران اقامت در عراق در کنار تحصیل رسمی علوم، همت خویش را صرف تهذیب نفس و پیمودن مراحل سیر و سلوک نیز نمود. ابتدا دست ارادت به سوی آیه‌الله حاج سید احمد کربلایی رحمته الله دراز نمود و پس از رحلت آن مرحوم در خدمت سید جمال الدین گلپایگانی درآمد و از ایشان دستوراتی طلب کرد و اذکاری گرفت.

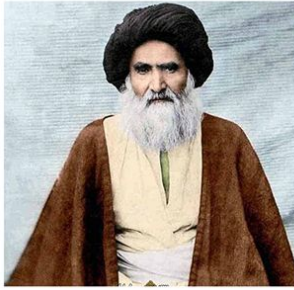
مرحوم سید جمال گلپایگانی با اینکه تقریباً هم‌سن مرحوم میرزا بوده اما از نظر علمی و عملی نسبت به او پیش‌تاز بوده است، لذا جدای از مباحث علمی، در عرصه سیر و سلوک نیز مورد استفاده میرزا مهدی قرار می‌گیرد به گونه‌ای که وی را باید آخرین استاد سلوکی میرزا مهدی دانست که میرزا آخرین قدم‌های سیر خود را در نزد او طی نموده است. اما حیف و صد حیف که سرانجام این رابطه سلوکی دگرگونه تقدیر شده بود و هرگز به باریابی به محضر یار منجر نشد! مرحوم میرزا در محضر مرحوم آقا سید جمال با اصرار اذکاری را از وی گرفته و به ریاضات شاقی مشغول گشت و ضعف بدنی و هوای گرم نجف و این ریاضات سنگین منجر به مکاشفاتی غلط برای مرحوم میرزا شد و پس از چندی سبب تردید وی در مسیر سلوک گشت. در این اوان است که وی متوسل به وجود مقدس حضرت صاحب الامر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ می‌شود و طبق دست‌نوشته‌ای از آن مرحوم در این ایام مکاشفه‌ای می‌بیند:

«...در عالم رؤیا خود را در یکی از مدارس نجف در حجره‌ای دیدم، ورقه‌ای به دست حقیر رسیده گانگه مثل ورق قرآن‌های باغچه‌سرای روسی است ولی ورق او بزرگتر است از اوراق مصحف‌های فعلی. در طرفی از او در عرض ورقه نوشته شده به خط نسخ: «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل‌البیت مساوق لانکارهم» (مظنون حقیر آن است که «لاینکارهم» بود) و این ورقه خط دور او آب طلا بود و در ظهر ورقه در طول او قریب به آخر ورقه در گوشه چپ نوشته شده بود به خط نسخ: «وقد اقامنی الله وانا حجة بن الحسن». بعد از این رؤیا تغییری در حال فقیر به تدریج پیدا شد.»

طبق نقل خود میرزا، این امر در رؤیا اتفاق افتاده است، ولی مرحوم حلبی درباره آن می‌گوید: «حضرت در بیداری بر سر قبر هود و صالح در وادی السلام نجف تشریف فرما شدند بر او تجلی کردند». و [مرحوم] محمد رضا حکیمی به واسطه همین رؤیا، میرزای اصفهانی را جزء تشریف یافتگان به محضر حضرت صاحب الامر در غیبت کبری می‌شمرد. ذبنا بر نقل میرزا، ورقه‌ای به دست وی رسیده که در آن جملات مزبور نوشته شده است و ایشان ظاهراً چنین تفسیر کرده که ورقه را حضرت داده‌اند ولی شاگردان وی گاه آن را به عنوان فرمایش شفاهی حضرت نقل کرده‌اند و گاه ادعا کرده‌اند که نواری سبز بر سینه حضرت بوده که بر آن این عبارات نوشته بوده است، به هر حال این رؤیای ساده دلیل بر مشاهده حضرت نیست و حتی بر فرض مشاهده در رؤیا دلیلی بر صحت این رؤیا وجود ندارد و بر فرض صحت رؤیا نیز فرمایش حضرت دلیل بر بطلان راه سیر و سلوک نیست؛ زیرا طریقه عرفانی مرحوم آقا سید جمال و مرحوم قاضی کاملاً متخذ از طریق اهل بیت علیهم‌السلام بوده است.



برای مشاهده منابع
کد را اسکن
و یا روی آن کلیک کنید



تأملی در تشریف مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی محضر مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

شیخ روح الله شفیعیان

آیت الله اراکی گفتند: «به هر حال، امروز می خواهم عظمت و شخصیت آیت الله اصفهانی را برای شما بیان نمایم». بعد به سخنان خود چنین ادامه دادند:

«یک روز در نجف اشرف مشهور شد که یک نفر مرتاض هندی که از راه حق، ریاضت کشیده و به مقاماتی رسیده، به نجف اشرف آمده، فضلا و علما و محصلین به دیدار اومی رفتند، از جمله من هم به دیدار وی رفتم و به مرتاض گفتم: آیا در مدت ریاضت خود، ختمی یا ذکری به دست آورده که بشود به وسیله آن به خدمت آقا امام زمان - روحی له الفدا - رسید؟ وی در جواب گفت: آری من یک ختم مجرب دارم. من از وی دستور آن ختم مجرب را گرفتم؛ دستور ختم چنین بود: «باید با طهارت بدن و لباس، در بیابانی رفت و نقطه ای را انتخاب نمود که محل رفت و آمد نباشد، بعد با حالت وضو و به قبله نشست و خطی دور خود کشید و مشغول ختمی شد؛ پس از انجام ختم، هر کس که نزد بجا آورنده ختم آمد، همان آقا امام زمان روحی له الفدا است». آیت الله اراکی فرمود: «من به بیابان سهله رفتم، ختم را انجام دادم؛ همین که ختم تمام شد، سیدی را دیدم که دارای عمامه سبزی بود و به من فرمود: چه حاجتی داری؟ من فوراً در جواب گفتم: به شما حاجتی نیست! سید فرمود: شما ماراخواستید که به اینجاییایم.

مرحوم آیت الله شیخ عبدالنبی اراکی یکی از فقهای نجف است که هم دوره مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی می باشند و فی الجمله اهل معنویت بوده و با مرحوم آیت الحق سید علی آقای قاضی هم رفت و آمدی داشته اند، ایشان دارای برخی مکاشفات صوری بوده اند که تعدادی از آنها را مرحوم حاج محمدعلی نمازی خواه، در یادداشت های خود با عنوان «سفرهای سبز در کشکول نمازی خواه» آورده است. مرحوم حاج محمدعلی نمازی خواه یکی از نزدیکترین افراد به مرحوم آیت الله شیخ عبدالنبی اراکی می باشند آنچنان که آیت الله تألیفات خطی خود را که بیش از صد اثر بوده، همه را برای انتشار به ایشان واگذار نموده بودند.

یکی از مکاشفات مرحوم آیت الله شیخ عبدالنبی اراکی که در آن محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسند حاوی نکته ای است درباره مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی که خود شیخ عبدالنبی آن را این گونه تفسیر می کنند:

«فهمیدم آیت الله اصفهانی مرجع خواهند شد، در صورتی که در آن وقت هنوز آثار و حرفی از ایشان نبود» این مکاشفه بعدها در بین مردم دهان به دهان چرخید تا جایی که مکاشفه تبدیل به واقعیت مسلم تاریخی شد و شیخ عبدالنبی اراکی را هم حذف کردند و تشریف را هم به خود سید ابوالحسن اصفهانی نسبت دادند!!

شاید یکی از عوامل این تحریف نقلی است که مرحوم آیت الله حاج سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی از این مکاشفه داشته اند؛ ماجرا از این قرار است این داستان را آیت الله شیخ عبدالنبی اراکی برای مرحوم حضرت آیت الله العظمی سید مرتضی مرتضوی حسینی لنگرودی که از مراجع تقلید و صاحب رساله بودند نقل نموده اند و در آن مجلس فرزندشان حاج سید محمد مهدی نیز حضور داشته است. کاملاً طبیعی است که نقل این داستان در دوران نوجوانی ایشان باشد و در آن دوره داستان را به طور کامل و دقیق متوجه نشده باشند، مخصوصاً که فهم مکاشفات از امور رایج روزانه برای یک نوجوان نیست! بعدها این ماجرا را البته نه به صورت مکاشفه. نقل نموده اند و دیگران بدون تحقیق آن را در جلد اول کتاب شیفتگان حضرت مهدی (ص ۱۱۵) منعکس کرده اند!

در آن کتاب می خوانیم: حضرت آیت الله حاج سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی قضیه زیر را بلاواسطه از مرحوم آیت الله شیخ عبدالنبی اراکی رحمته الله علیه شنیده و نقل کرده: «روزی آیت الله عبدالنبی اراکی برای دیدن مرحوم آیت الله والد به منزل ما آمدند. پس از انجام مراسم دیدار، آیت الله اراکی، آیت الله والد را مخاطب قرار داده و گفتند: «شما که از برداشت ما در نجف اشرف نسبت به آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی تا اندازه ای با اطلاع بودید و می دانستید که ما مروج ایشان نبودیم؛ بلکه در مجامع علما و فضلا نسبت به ایشان چنین می گفتیم که: ما از آیت الله اصفهانی کمتر نیستیم که ترویج مرجعیت ایشان نماییم!». آیت الله والد، گفتار ایشان را تصدیق نمودند و گفتند: «آری، شما چنین ادعایی می کردید، ولی در واقع از ایشان کمتر بودید حتی می توانم بگویم: قابل مقایسه با ایشان نبودید!».

من گفتم: اشتباه می کنید، من شما را نخواسته ام! سید فرمود: ما هرگز اشتباه نمی کنیم. حتماً شما ما را خواسته اید که به اینجا آمده ایم وگرنه ما در اقطار دنیا کسانی را داریم که در انتظار ما به سر می برند ولی چون شما زودتر، این درخواست را کرده اید، اول به دیدار شما آمده ایم تا حاجت شما را برآورده کنیم، آنگاه به جای دیگر برویم. گفتم: ای آقای سید! من هر چه فکر می کنم، با شما کاری ندارم. شما می توانید به نزد آن کسانی که شما را می خواهند بروید، من در انتظار شخصی بزرگ به سر می برم! سید لبخندی بر لبانش نقش بست و از کنار من دور شد؛ چند قدمی بیش دور نشده بود که این مطلب در خاطر من خطور کرد که نکند این آقا، حضرت امام زمان روحی له الفدا باشد. به خود گفتم: شیخ عبدالنبی! مگر آن مرتاض نگفت: جایی را اختیار کن که محل عبور و مرور اشخاص نباشد؛ هر کس را دیدی همان آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟! و تو بعد از انجام ختم، کسی را غیر از این سید ندیدی! حتماً این سید، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. فوراً به دنبالش رفتم ولی هر چه تلاش کردم به او نرسیدم؛ ناچار عبا را تا کردم و در زیر بغل قرار دادم و نعلین را به دست گرفتم و با پای برهنه، دوان دوان در پی سید می رفتم ولی به او نمی رسیدم، هر چند سید آهسته راه می رفت. در این هنگام، یقین کردم آن سید بزرگوار، آقا امام زمان - روحی له الفدا - است. چون زیاد دویدم، خسته شدم و قدری استراحت کردم، ولی چشم من به سید دوخته شده بود و مراقب بودم که سید به کدام یک از کوخ های عربی وارد می شود تا من هم بعد از مقداری استراحت به همان کوخ بروم. از دور دیدم به یکی از کوخ های عربی وارد شدند. بعد از مدت کوتاهی، به سوی آن کوخ روانه شدم. در کوخ رازدم، شخصی آمد و گفت: چه کار دارید؟ گفتم: سید را می خواهم. گفت: دیدار سید نیاز به اذن دخول دارد، صبر کن بروم و از برای شما اذن دخول بگیرم. وی رفت و پس از چند لحظه آمد و گفت: آقا اذن دخول دادند. وارد کوخ شدم؛ دیدم همان سید بر روی تخت محقری نشسته اند؛ سلام کردم و جواب شنیدم. فرمود: بیایید و بر روی تخت بنشینید، اطاعت کردم و بر روی تخت رو بروی سید نشستم. پس از انجام تعارفات می خواستم مسایل مشکل را از آن بزرگوار سؤال کنم اما هر چه فکر کردم حتی یکی از آن مسایل مشکل هم به یادم نیامد. پس از مدتی فکر، سر بلند کردم و آقا را در حال انتظار دیدم، خجالت کشیدم و با شرمندگی تمام عرض کردم: آقا اجازه مرخصی می فرمایید؟ فرمود: بفرمایید. از کوخ خارج شدم، همین که چند قدم راه رفتم، یک به یک مسایل مشکل به یادم آمد. گفتم: من این همه زحمت کشیدم تا به اینجا رسیدم و نتوانستم از آقا استفاده ای بنمایم، باید پررویی کنم و دوباره در کوخ را بزنم و به خدمت آقا برسم و مسایل مشکل را سؤال نمایم. در کوخ رازدم، دوباره همان شخص آمد. به او گفتم: می خواهم خدمت آقا برسم. گفت: آقا نیست. گفتم: دروغ نگو، من برای کلاشی نیامده ام، مسایل مشکلی دارم، می خواهم به وسیله پرسش از آقا حل شود. وی گفت: چگونه نسبت دروغ به من می دهی؟ استغفار کن! من اگر قصد دروغ کنم، هرگز جایم اینجا نخواهد بود! ولی بدان، این آقا مانند آقایان دیگر نیست. این امام و الامقام در این مدت که افتخار نوکری او را دارم، حتی برای یک مرتبه، زحمت در باز کردن به من نداده. گاهی از درب بسته و گاهی از دیوار و گاهی سقف شکافته می شود و وارد این کوخ می شود.

گاهی مشاهده می کنم که نیست، ولی صدای مبارکش به گوش می رسد و...؛ گاهی مدت سه روز طول می کشد و تشریف فرما نمی شود. گاهی چهل روز، گاهی ده روز، گاهی چند روز پی در پی در این کوخ تشریف دارند. کار این آقای بزرگوار غیر از کار دیگران است! گفتم: معذرت می خواهم، از این نسبتی که دادم استغفار می کنم. امید است که مرا ببخشید. گفت: ببخشیدم. گفتم: آیا راهی برای حل مسائل مشکل من دارید؟ گفت: آری هر وقت آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اینجا تشریف ندارند، فوراً در جای ایشان، نایب خاصشان ظاهر می گردد و گفتم: می شود به خدمت ایشان رسید؟ گفت: آری. وارد کوخ شدم؛ دیدم بر جای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی نشسته. سلام کردم؛ جواب شنیدم. بعد با لبخند فرمود: حالت چطور است؟ گفتم: الحمدلله. بعد مسائل خود را یکی پس از دیگری مطرح می کردم. همین که هر مسأله ای را مطرح می کردم فوراً بدون تأمل، جواب مسأله را با نشانه می داد و می گفت: این جواب را صاحب جواهر در فلان صفحه از کتاب جواهر داده است و فلان جواب را صاحب حدائق در کتاب حدائق در فلان صفحه داده است و جواب این مسأله را صاحب ریاض در فلان صفحه در ریاض داده است و... جواب ها تمام حل کننده و تحقیق شده و قانع کننده بود. پس از حل جمیع مسائل مرخص شدم. با خود گفتم: آیا این آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود یا شخص دیگری؟ مردد بودم؛ با خود گفتم: تردید وقتی زایل می شود که به نجف و به خانه سید وارد شوی و همان مسائل را مطرح کنی، اگر همان جواب ها را از سید شنیدی، در این صورت، یقین خواهی کرد که آن سید، همان آقا سید ابوالحسن اصفهانی است.

من هم اطاعت کرده و مرخص شدم. از پله‌ها پایین آمدم و مقداری راه رفتم، یادم آمد که یک مسأله مانده است، برگشتم

باز آن پیرمرد مانع شد، گفتم: «یک مسأله دیگر مانده، باید آقا را ملاقات کنم» ایشان در جوابم گفت: «آقا رفتند»، به خیال اینکه مثل دفعه اول، قصد ممانعت دارد دست به سینه‌اش گذاشتم، عقب رفت و رفتم بالا، در را باز کردم، دیدم «حاج سید ابوالحسن اصفهانی» روی چهارپایه نشسته. سلام کردم و خواستم برگردم، ایشان گفتند: «بفرمایید شیخ عبدالنبی» گفتم: «کاری ندارم» گفتند: «چرا یک مسأله شما مانده و جوابش این است...» جواب را گفتند و من خداحافظی نمودم و برگشتم، به محض اینکه از پله‌ها پایین آمدم، دیدم در رواق حرم امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته‌ام و دعا در دست دارم و مشغولم، ولی حالت خاصی داشتم. قدری تأمل کردم و ضمن خوشحالی از تشرّف و حلّ مسائل مشکل فهمیدم آیت الله اصفهانی مرجع خواهند شد، در صورتی که در آن وقت هنوز آثار و حرفی از ایشان نبود ولی بعدها خداوند به نامبرده عنایت نمود و مرجعیت عام گردید.



برای دریافت منابع کد بالا را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.

به نجف که وارد شدم، یکسره به منزل آیت الله سید ابوالحسن رفتم و به اطاق مخصوص ایشان وارد شدم. سلام کردم، با حالت خنده همان طوری که در کوخ لبخند زد جواب شنیدم، و با لهجه اصفهانی فرمود: حالت چطور است؟ من هم جواب دادم. بعد مسائل به همان نحو مطرح شد و سید به همان صورت جواب دادند؛ بدون کم و زیاد! بعد فرمودند: حالایقین کردی و از حالت تردید بیرون آمدی؟ گفتم: ای آقای بزرگوار! آری. بعد دست مبارکش را بوسیدم و همین که خواستم از خدمتش مرخص شوم به من فرمود: راضی نیستم در حال حیات و زندگی این جریان را برای کسی نقل کنی. بعد از مردنم مانعی ندارد.»

برای اینکه بدانیم تا چه اندازه داستان بالاتحریف شده است، اصل ماجرا را عیناً از کتاب «سفرهای سبز در کشکول نمازی خواه» نقل می‌نماییم:

حقیر نویسنده [حاج محمد علی نمازی خواه]، ضمن مقلدی و خادمی و ارادت به آیت الله العظمی آقا شیخ عبدالنبی اراکی شاید در بعضی از موارد، با ایشان خیلی خصوصی مطالبی در بین داشتیم که دیگران نداشتند و امین رازهایشان بودم و مطالب زیادی برایم بیان می‌فرمودند... ایشان برای حقیر نقل نمودند:

موقعی که در نجف اشرف بودم، شنیدم یکی از علمای منزوی و متقی (ظاهر اسم ایشان را فرمودند ولی یادم نیست، شیخ محمد تقی قزوینی یا در همین ردیف اسم) دعایی دارد که وقتی می‌خواند به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام نایل می‌شود.

من ایشان را از دور می‌شناختم. اتفاقاً فردای شنیدن این مطلب به حرم امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف می‌شدم. صبح زود بود. ایشان از حرم خارج شدند، بعد از سلام و علیک گفتم: «شنیدم شما دعای مخصوصی دارید که هر وقت بخواید به خدمت آقا مشرف می‌شوید...» گفتم: «آن را به شما می‌دهم به دو شرط: اولاً رونوشت برداری؛ و دوم این که فردا صبح به من برگردانی.» گفتم: «قبول است.»

دعا را از جیب بغل در آورد و به من داد. از هم جدا شدیم و من به حرم مشرف شدم. بعد آمدم پایین پای حضرت امیر علیه السلام و دو رکعت نماز خواندم و سپس دعا را شروع کردم. هنوز نیمی از دعا را نخوانده بودم، دیدم در مسجد کوفه هستم و می‌خواهم از مسجد بیرون بیایم، متوجه شدم حضرت ولی عصر علیه السلام ده قدم جلوتر دارند از مسجد بیرون می‌روند. من مقداری تند رفتم تا به ایشان برسم، نرسیدم، تندتر رفتم، باز هم نرسیدم، از مسجد که بیرون آمدم، دیدم شاخه‌های گل‌ها داخل کوچه شده و منظره مطلوبی پیدا کرده و عطر افشانی می‌کنند و وسط کوچه نیز آب روانی جاری است. گفتم: سبحان الله! اینجا بیابانی بی‌آب و علف بود، چه اتفاقی افتاده که این گل‌ها و مرکبات پیدا شده؟ با این فکر دنبال حضرت تند می‌رفتم. باز نرسیدم، دیدم صحیح نیست که حضرت را صدا کنم، لذا مقداری دویدم، باز هم فاصله باقی بود، در صورتی که حضرت به صورت عادی حرکت می‌کردند. بالاخره در بین راه، سمت چپ، در باغی بود و نردبانی که ورودی کوچکی داشت، وقتی حضرت رسیدند در باز شد و ایشان بدون اینکه خم شوند وارد شدند، ولی من وقتی می‌خواستم وارد شوم، خم شدم. حدود صد قدم رفتم، دست راست، بالا خانه بود، حضرت از پله‌ها بالا رفتند، جلوی پله در بود که در بسته شد، رسیدم که به جلوی پله و خواستم بالا بروم. پیرمردی قوی هیکل جلو آمد و گفت: «نمی‌شود بروید» گفتم: «با آقا کار دارم» باز ممانعت کرد، که حضرت دستور دادند: «بگذارید بیاید» رفتم بالا، در را باز کردم. دیدم حضرت روی چهارپایه‌ای نشسته‌اند، فرمودند: «بنشین.»

بعد از سلام و ادب، فرمودند: «برای چه آمده‌ای؟» عرض کردم: «مسائلی داشتم». فرمودند: «بگو. حدود مسأله داشتم، به عرض رسانیدم، جواب آنها را مرحمت نموده و فرمودند: «بفرمایید»

نقش خاتم

محمد مهدی حادق پور

نقائ کوتاه از احادیث امام مهدی علیه السلام

جایگاه بلند امامان پس از پیامبر گرامی خدا ﷺ

...وَجَعَلَ الْأَمْرَ [مِنْ] بَعْدِهِ إِلَىٰ أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَوَصِيَّهِ وَوَارِثِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِدًا وَاحِدًا أَحْيَاءَ بِهِمْ دِينَهُ وَأَنْتُمْ بِهِمْ نُورُهُ...؛
و (خداوند) پس از او [پیامبر ﷺ] امر (خلافت و امامت) را به برادر، پسر عمو و وصی و وارث وی، علی بن ابی طالب علیه السلام و پس از آن حضرت به جانشینان از فرزندان او، یکی پس از دیگری سپرد تا (با تعلیمات و راهنمایی های ایشان) دین خود را زنده و نور خود را تمام کرد (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۸)

نکته ها:

- پیامبر گرامی خدا ﷺ در موارد فراوان به جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام تصریح کرده است که مهم ترین آن داستان غدیر خم است که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند.
- نه فقط امیرالمؤمنین علیه السلام بلکه همه امامان به وسیله پیامبر گرامی خدا ﷺ به عنوان پیشوایان مسلمین پس از رسول خدا ﷺ، معرفی شده اند.
- این مجاهدت علمی و عملی امامان بود که دین را حفظ کرد و اگر امامان نبودند دین خدا به وسیله تحریف منافقان از بین می رفت.

آگاهی امام زمان علیه السلام از اعمال شیعیان

فَأِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ؛
پس براستی که ما به همه خبرهای شما آگاهی کامل داریم و چیزی از آنها بر ما پنهان نمی ماند. (احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷)

نکته ها:

- آنچه امام زمان علیه السلام فرموده اند مستند به قرآن است آنجا که می فرماید:
وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ؛ و بگو: [هر کاری می خواهید] بکنید که به زودی خدا و رسول او و مؤمنان کردار شما را خواهند دید «سوره توبه/ ۱۰۵». در روایات متعدد آمده که مقصود از «الْمُؤْمِنُونَ» در این آیه، امامان هستند.
- توجه به اینکه اعمال ما در همه جا و همه اوقات در محضر امام زمان علیه السلام است عامل خودسازی و پرهیزکاری است و این یکی از راه های بهرمندی از برکات امام غایب است.



توصیه امام زمان علیه السلام به شیعیان

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِيٍّ مِنْكُمْ بِمَا يَفْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتُهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حُوبَةٍ؛ پس هریک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می گردد، دوری گزیند؛ زیرا امر ما به یکباره و ناگهانی فرامی رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر مانجات می بخشد. (احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸)

نکته ها:

- امام عصر علیه السلام با صراحت از شیعیانش می خواهد که به کارهایی روی آورند که موجب دوستی امامشان گردد و نیز هرکاری که سبب ناخشنودی امام است را ترک کنند و دستور امام، باید اطاعت شود.
- باید تا پیش از ظهور به تربیت نفس و تزکیه خویشتن اقدام کنیم وگرنه در هنگام ظهور امکان همراهی با امام را نخواهیم داشت و چه بسا گرفتار خشم امام زمان علیه السلام گردیم.

نکته ها:

- امام زمان علیه السلام از شیعیانش همدلی دروفای به پیمانی که با خدا و امام دارند را می خواهد و همین را از عوامل تعجیل در ظهور خود معرفی کرده است.

- امام زمان علیه السلام از زشتی ها و گناهان ما شکایت دارد و آن را از عوامل محرومیت شیعیان از دیدار و ظهور خود دانسته است.

علت تأخیر در ظهور امام زمان علیه السلام

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهْمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ؛

اگر شیعیان ما - که خداوند برای اطاعت خویش توفیقشان دهد - دلهایشان در وفا به عهد و پیمانی که با ما دارند، گرد هم می آمد، از فیض دیدار ما محروم نمی شدند، و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می شد، دیداری از روی معرفت و راستین. پس ما را از آنان باز نمی دارد، جز اخبار ناخوش آیند و ناروایی که از آن ها به ما می رسد و ما از ایشان انتظار (آن کارها) را نداریم (احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹)



شهرت‌سی‌عزیز



مکتب انتظار مکتب دلدادگی به خداست، پرچم مکتب انتظار را امام خمینی (ره) به همه داد به واسطه آن امید ایجاد کرد و فرمود، ما می‌توانیم مکتب ظلم و ستم را کنار بگذاریم و مکتب عدالت را ایجاد کنیم، مردم معتقد هم پشت سر ایشان ایستادند و به نام اسلام با توجه به اهداف نظام این انقلاب شکل گرفت.

۱۳۹۸/۰۲/۰۱

آثار عبادی و آخرتی خدمت به مردم

از نقاط بسیار حساس در اخلاق اسلامی، حس تعاون و خدمت به مردم است. خدمت به مردم در سیره شهید رئیسی چشمگیر بود؛ به گونه ای که همین ویژگی توسط مقام معظم رهبری علیه السلام، در پیام تسلیت شهدات ایشان اشاره شد.

یکی از آثار خدمت به مردم و مؤمنین، برآورده شدن حوائج اخروی است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:
کسی که یکی از خواسته های برادر دینی خود را برآورد خداوند عالم در روز قیامت صد هزار خواسته او را بر می آورد که نخستین آنها بهشت است و از جمله این پاداش ها آن است که خویشان و آشنایان و برادران دینی او را نیز وارد بهشت می کند
....

پیام حجت الاسلام قرائتی به شهید رئیسی

اگر آقای رئیسی را می دیدم به او می گفتم که قرآن به وعده اش وفا کرد. قرآن می گوید کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند محبوب می شوند. این تشییع امروز نشان دهنده محبوبیت شما و مورد لطف خدا بودن شما است. برخی مخالفین شما به شما کنایه زدند که خداوند جبران کرد، خدا جبار است و جبران می کند، این محبوبیت



امروز جبران آن نیش و کنایه است.



جهان در انتظار منجی است

بخشی از سخنرانی شهید رئیسی در سازمان ملل



خانم ها و آقایان؛

بشر در حال ورود به مدار جدیدی است.

قدرت های کهنه، در حال افول اند. آنها «گذشته» هستند و ما «آینده» ایم.

تکرار می کنم که آنها «گذشته» هستند و ما «آینده» ایم.

بشریت با رشد آگاهی و نابودی جهل، رستگار می شود.

نگاه ما به آینده امیدوارانه است.

جهان در انتظار منجی است که ادیان الهی آن را وعده داده اند.

این منجی وجود و حضور دارد. مؤمنانه باور داریم که بر مبنای مشیت و اراده

الهی، همانطور که پیامبران الهی وعده داده اند، عدالت، جهانی خواهد شد و

حکومت بندگان صالح پروردگار در سراسر زمین، حکم فرما و بشریت با رشد

آگاهی و نابودی جهل، رستگار می شود.

جهان در انتظار روزی است که حرمان به فرجام رسد.

ماندگاری کار با اخلاص

خداوند عزوجل فرمود: اگر بنده خود را، دوستدار اخلاص و خداجوی بیابم،

اداره امور او را شخصاً به عهده می گیرم و کار او را به دیگران واگذار نمی کنم.

کسی که عبادت های خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ،

برترین مصلحت را به سویش فرو خواهد فرستاد.

شهید آیت الله رئیسی بیش از ۴۰ سال کار مخلصانه انجام داد. خدا به همه

نشان داد که کار با اخلاص ضایع نشده و از بین نمی رود. خداوند متکفل کار او

شد و اداره امور او را به عهده گرفت و برترین مصلحت را برای او رقم زد.



مبارزه با ظلم و فساد اثر عملی اعتقاد به مهدویت

آیت الله شهید سید ابراهیم رئیسی در «اولین آیین ملی تکریم فعالان مساجد»: انسان معتقد به مهدویت در راستای از بین بردن تبعیض ها، ظلم ها و فسادها و آنچه که از ناهنجاری ها اجتماعی در زندگی بشر وجود دارد تلاش می کند و هر گامی که بر می دارد برای زمینه سازی ظهور است. اعتقاد و باور به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعتقاد به امام حی و حاضر است ... و برخی می توانند با خودسازی از ابرها عبور و چهره نورانی او را زیارت کنند. برخلاف اعتقادی که برخی از صاحبان ادیان دارند، ما معتقد به موعودی هستیم که میان ما وجود دارد، همه عوالم هستی تحت نظارت اوست و باور ما آن است که آنچه که در تکوین واقع می شود به عنایت مقدس اوست. اعتقاد به مهدویت اعتقاد به توحید است، چرا که او پرچم توحید را برافراشته خواهد کرد؛ اعتقاد به مهدویت اعتقاد به نبوت است و او عصا همه انبیای الهی است. اعتقاد به مهدویت اعتقاد به امامت است چرا که او خاتم انبیا و معصومین است. اعتقاد به مهدیت اعتقاد به عدل است، چرا که او عدالت را بر کام بشریت می نشاند؛ آثار عملی باور به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که کسی که به ایشان باور دارد در راستای امر به معروف گام خواهد برداشت؛ شخص معتقد به وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در سلوک و رفتار حرکتی می کند، در راستای گسترش معروف ها و باورها در جامعه و نهی از زشتی ها و پلشتی ها در جامعه بشری.



رئیس جمهور باید...

رئیس جمهور، هم باید کاری باشد، هم باید مردمی باشد، هم باید مقاوم باشد، هم باید ارزشی باشد، هم باید باتدبیر باشد، هم باید پایند به قوانین و مقررات باشد - مجری قانون است - هم باید درد مردم را احساس کند، هم باید طبقات مختلف مردم را ببیند؛ این ها خصوصیات است که در انتخاب آن کسی که ما می خواهیم کلید اجرائی کشور را به او بسپریم، نقش دارد. (امام خامنه ای عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ ۱۳۹۲/۰۲/۱۶) بی گمان شهید رئیسی عزیز نه تنها مخلص و اهل صداقت بود؛ بلکه انسانی پرتلاش و مدیری پرتوان بود.

یاری رساندن به امام، مُجدانه و خستگی ناپذیر



البته باید در نظر داشت که انجام کار فرهنگی، دارای سه شرط مهم است:

الف) علم و آگاهی: که مبادا در اثر ناآگاهی باعث گمراهی دیگران شویم.

چنان چه قرآن می‌فرماید:

«لِيُحْمَلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِلَّا سَاءَ مَا يَزُونُ»؛ (نحل/ ۲۵)

«در روز قیامت، تمامی بار گناهان خود و بخشی از بار گناه کسانی که از روی بی‌دانشی، آن‌ها را گمراه می‌کنند، به دوش می‌کشند. آگاه باشید که بد باری را به دوش می‌کشند».

ب) خیرخواهی و دلسوزی؛

چنان چه امام صادق علیه السلام در فضایل پیامبرگرمی صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«تَصَحَّ لِأُمَّتِهِ»؛ (بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۳۶۹)

«او خیرخواه و دلسوز اُمت بود».

ج) تقید عملی به احکام اسلام؛

هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند.

بنابراین نمی‌توان با گناه، مروج معنویت بود و با دیدگاه شهوت مدارانه افرادی نظیر فروید و... به هدف اعتقادی و اسلامی دست یازید.

نکته مهمی که از قیام امام حسین علیه السلام می‌توان دریافت، جایگاه و نقش اساسی یاران در به ثمر نشاندن اهداف امام معصوم است. این جایگاه به قدری با اهمیت است که در صورت حذف آن، حرکت و تلاش امامان معصوم نیز بی‌نتیجه خواهد ماند. پس بر تمامی یاران و شیعیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه واجب است که برای زمینه‌سازی ظهور و تحقق اهداف ایشان تلاش نمایند و در این مسیر از قَدّت نفرات، هراسی نداشته باشند. چونان مسلم بن عقیل، سفیر غریب امام حسین علیه السلام که از جان خود گذشت تا پیام حسین علیه السلام را به مردم برساند.

بایستی حرکت کرد و از لحظه لحظه‌ها، مدد جست تا بتوان سخن تاریخی تمامی انبیا و اوصیا را به بشریت رساند. در این میان، معلمان، مبلغان و نویسندگان، محققان حوزه و دانشگاه و بالاخره صدا و سیما، در ایفای این نقش، سهم عظیمی دارند. قرآن، در آیات مختلفی، از تلاش و دلسوزی‌های مؤمنین در راه کمک‌رسانی به تحقق اهداف الهی، سخن به میان آورده است که در ادامه، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

یک) در سوره یس، آن‌گاه که از پیامبران یاد می‌شود که به سوی قومی فرستاده شدند و سرانجام، همگی به شهادت رسیدند، به مرد گم‌نامی اشاره می‌شود که به کمک پیامبران شتافت و مردم را به اطاعت آنان فراخواند: «و از دورترین نقطه شهر، مردی شتابان آمد و گفت: ای قوم من! از این فرستادگان [خدا] پیروی کنید، از کسانی پیروی کنید که پاداشی از شما نمی‌خواهند و آنان راه یافته‌اند» (یس/ ۲۱).

دو) هنگامی که فرعون و درباریان‌ش، تصمیم به قتل موسی علیه السلام گرفتند، مرد گم‌نامی از دورترین نقاط شهر به یاری موسی برخاست و او را از جریان توطئه‌ای که علیه او شکل گرفته بود، آگاه کرد: مردی از دورترین [نقطه] شهر شتابان آمد [و] گفت: ای موسی! اشراف و سران [فرعونی] درباره تو مشورت می‌کنند که تو را بکشند؛ بنابراین [از این شهر] بیرون برو که یقیناً من از خیر خواهان توام» (قصص/ ۲۰).

سه) از دیگر مصادیق انجام وظیفه و ارشاد دیگران، سخن حضرت یوسف علیه السلام در سخت‌ترین شرایط زندان است که در آن جا نیز، وظیفه خود را فراموش نمی‌کرد و کسانی که همراه او در بند بودند را موعظه و نصیحت می‌نمود: «ای همراهیان زندانی، آیا خدایان پراکنده و متعدد بترند یا خدای واحد قهار؟» (یوسف/ ۳۹).



وجوه مشترک یاران امام حسین علیه السلام و حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

میان یاران این دو امام بزرگوار، وجوه مشترکی یافت می‌شود که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

- (۱) **معرفت:** معرفت به امام و جایگاه و شخصیت او، به انسان کمک می‌کند تا از تمام آزمون‌ها سربلند بیرون آید.
- (۲) **عشق و محبت:** این همان ویژگی است که موجب شد ابو ثمامه صایدی، کثیر بن عبدالله خون ریز را که به عنوان پیغام‌رسان عمر سعد و همراه با اسلحه به خیام امام حسین علیه السلام آمده بود، به خیمه ایشان، راه ندهد و آن قدر استقامت کند تا کثیر به لشکر ابن زیاد برگردد و کس دیگری، بدون اسلحه، برای رساندن پیغام به سوی لشکر امام حسین علیه السلام بیاید. محبت است که دو عموزاده، سیف بن حارث و مالک بن عبد را هنگام رفتن به میدان، از نگرانی برای تنهایی و غربت امام حسین علیه السلام، غرق اشک و ناله می‌کند. این عشق در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مطرح است. چنان‌چه در وصف ایشان گفته‌اند: «در میدان رزم، گرد وجود او (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌چرخند و با جان، حفاظتش می‌کنند». بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷
- (۳) **اطاعت:** ثمره دیگر معرفت امام، اطاعت است. چراکه معرفت، محبت را به دنبال دارد و محبت، تنها با اطاعت پذیرفتنی است.
- (۴) **تقدم امام بر خود:** این ویژگی، باعث شد که امام صادق علیه السلام، سلمان فارسی را بستاید و بفرماید: «او سلمان محمدی است؛ چرا که خواسته امام خود را بر خواسته خود مقدم می‌ساخت». همان، ج ۲۲، ص ۳۲۷
- (۵) **تقدم امام بر روابط خویشاوندی:** عمرو بن قرضه و علی بن قرضه دو برادر بودند که در عرصه کربلا، یکی در سپاه امام حسین علیه السلام و دیگری در لشکر ابن زیاد بود. عمرو در هنگام نماز ظهر، سپر امام حسین علیه السلام گردید و به شهادت رسید و برادرش در شقاوت و سیه‌روزی ماند. محمد بن بشیر حضرمی نیز از دیگر یاران باوفای امام حسین علیه السلام بود که محبت فرزند نتوانست او را از امامش جدا کند. چرا که فرزند او اسیر شده بود و به همین جهت، امام حسین علیه السلام بیعتش را از او برداشت تا به یاری پسرش برود؛ اما محمد پذیرفت و در کنار حضرت ماند تا به شهادت رسید.
- (۶) **دشمن شناسی:** یکی از ویژگی‌های یاران این دو امام، بصیرت آنان در تشخیص دشمن و عملکردهای اوست.
- (۷) **عبادت و معنویت:** یاران امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، چنان غرق عبادت بودند که زمزمه مناجاتشان، چون صدای زنبوران عسل، از خیام امام حسین علیه السلام به گوش می‌رسید: «وَبَاتِ الْحُسَيْنُ وَأَصْحَابُهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَلَهُمْ دَوَى كَدَوَى التَّحْلِ مَا بَيْنَ رَاكِحٍ وَ سَاجِدٍ وَ قَائِمٍ وَ قَاعِدٍ». همان، ج ۴۴، ص ۳۹۴ ابو ثمامه صایدی از جمله یاوران امام بود که در ظهر عاشورا، وقت نماز را تذکر داد و به امام عرض کرد: «دوست دارم نماز دیگری با شما بخوانم». همو، اولین کسی بود که پس از اقامه نماز به شهادت رسید. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز شبانگاهان، مانند مادران مصیبت دیده، از خشیت خدا، ناله‌ها دارند: «لهم فی الیل اصوات کاصوات الثواکل حزناً من خشية الله». ینابیع الموده، ج ۳، ص ۹۵.
- (۸) **وظیفه شناسی:** تمام یاران امام حسین علیه السلام به دنبال ایفای وظیفه خود بودند. منتظر واقعی نیز چنین است؛ وظایف خود را می‌شناسد و به آن عمل می‌نماید.
- (۹) **دفاع و حمایت از امام:** حسین بن علی علیه السلام در واقعه عاشورا، مظلومانه ندا می‌داد: «آیا فریادرسی هست که برای امید به [رحمت] خدا فریادرس ما گردد؟». یار و منتظر واقعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدافع همیشگی اوست؛ چنان‌چه در دعای عهد از خدا می‌خواهیم. امروز، وظیفه تمامی منتظران این است که بدانند چگونه و با چه رفتاری می‌توانند حمایت‌گر حریم اهل بیت علیهم السلام باشند.
- (۱۰) **تلاش خستگی ناپذیر:** یاران امام حسین علیه السلام با تمام توان، مردم را به سوی ایشان و طریقت حقیقی ایمان دعوت می‌نمودند. در وصف منتظران نیز آمده است: «الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرّاً وَ جَهْراً»؛ «آنان پنهان و آشکارا، [مردم را] به دین خدا دعوت می‌کنند». بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶.

درس های عاشورا به منتظران

- * معرفت نسبت به امام
- * حمایت کامل و خالص از امام
- * وفاداری به امام
- * صبر و پایداری
- هشدارها**
- * جایگاه خواص
- * عبودیت
- * کوشش خستگی ناپذیر
- * اطاعت از رهبری و ولایت فقیه
- * عدم غفلت

جهت مطالعه توضیحات این متن و دریافت فایل بروشور کد زیر را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.



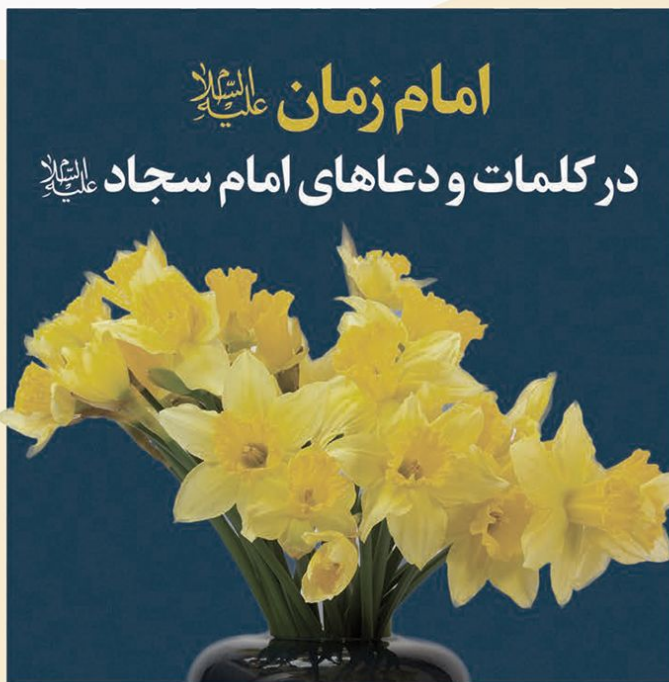
امام زمان علیه السلام

در کلمات امام سجاد علیه السلام

آنچه پیش رو دارید، نگاهی است گذرا به برخی کلمات حضرت سجاد علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام و اهم دعاهایی که آن حضرت درباره امام، انتظار آن حضرت، فرج او، دعا برای سلامتی و نصرت او و... فرموده است.
در این جا به دو مورد از ادعیه امام سجاد علیه السلام اشاره می کنیم:

الف. دعا برای ظهور در روز عرفه
این دعا از چهار بخش تشکیل شده است؛ لزوم وجود امام در هر زمان و اطاعت مطلق از امر و نهی او، دعا برای نصرت و یاری و محافظت آن حضرت، بیان نتایج و پوی آمدهای ظهور.
ب. دعای دیگر برای ظهور و فرج:
این دعای نیز در منابع متعددی آمده است و مربوط به روز عرفه است.

برای مطالعه این مطلب به طور کامل و دریافت بروشور کد را اسکن و یا روی آن کلیک کنید.



سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّامِيُّ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَا

(سلام بر تو ای خون خواه شهید کربلا)



مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج الله الشریف، منتقم حادثه عاشورا

حادثه عاشورا، علی رغم صحنه های زیبایی از عشق و ایثار، صحنه های غم انگیز بسیاری را نیز در خود داشت؛ به گونه ای که به واقع، آن را می توان یک تراژدی بزرگ خواند. در این تراژدی، دنیاپرستان و خودکامگان، چنان صحنه دهشتناکی را از دژنده خویی خود، به نمایش گذاشتند که پس از چهارده قرن، هنوز هم داغ فجایی که بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و اهل بیتش روا داشته شد، تازگی دارد؛ که البته، همین امر، مکتب تشیع را زنده و پویا نگه داشته است.

اگرچه پس از پایان پذیرفتن فاجعه عاشورا، بسیاری به خود آمدند و به فکر انتقام گیری از جنایتکاران واقعه کربلا افتادند و تا حدود زیادی نیز موفق شدند که قاتلین شهدای کربلا را به سزای اعمالشان برسانند؛ اما داغی که عاشورا بر دل ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ گذاشت، چیزی نبود که با قیام کسانی چون مختار و توأبین، تسکین یابد؛ لذا پیوسته از روزی خبر می دادند که شخصی از نسل آنان خواهد آمد و از ظالمین و مستکبرین، انتقام خواهد گرفت.

البته هنگام ظهور حضرت حجت عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج الله الشریف، تمامی جنایتکاران واقعه کربلا - جز عده ای که در رجعت، بازگردنده خواهند شد - وجود ندارند، اما انتقام گیری از مستکبران، به منزله انتقام گیری از قاتلین امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهد بود؛ چرا که انتقام گیری حضرت از افراد نیست، بلکه از فرهنگ ظلم و بیداد است که علیه مظلومان، اعمال می شود. بنابراین نابودی ظالمین و جبارین عالم، به نوعی انتقام خون امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره چگونگی خون خواهی حضرت می فرماید: «سوگند به خدا؛ خون من از جوشش باز نمیایستد تا این که خداوند، مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج الله الشریف را برانگیزد. او به انتقام خون من، هفتاد هزار نفر از منافقان را خواهد کشت». بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز در تفسیر آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَاناً» اسراء/۳۳، فرمودند: «مراد از مظلوم، در این آیه، حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است که مظلوم کشته شد و ولی او، قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج الله الشریف می باشد که تمام تجاوزگران زمین را خواهد کشت». در مورد همین آیه، امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز فرموده اند: «ما اولیای دم امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ هستیم. هنگامیکه قیام کند، به قدری ظالمان را به هلاکت خواهد رساند که گفته خواهد شد: بسیاری را کشت». بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰

در دعای ندبه نیز، این گونه، به این حقیقت اشاره شده است: «أَيْنَ طَالِبُ بَدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَا».

همچنین، بنابر دلالت روایات زیادی، در هنگام ظهور، حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج الله الشریف و یاران آن حضرت، شعار خون خواهی حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را سر می دهند.

مسأله بازخواست از قاتلین امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، چنان مهم است که یکی از القاب حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرج الله الشریف، «منتقم» می باشد. بدین ترتیب، چه دلیلی محکم تر از خون خواهی، برای پیوند عاشورا و انتظار وجود دارد؟!

عاشوراء
عبد السلام

أَحَبَّ إِلَيْنَا مَنْ أَحَبَّ إِلَيْنَا

اینکه خدا در قرآن فرمود مُزِدْ رِسَالَتِ، دوستی اهل بیت است ﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ منظور این نیست که ما دوست اهل بیت باشیم حسین بن علی را چه کسی است که دوست نداشته باشد؟! آیه معنایش این است که آن مودت مستقر، مودت جاندار، مودت ابدی، مودت ریشه دار، آن اجر رسالت است وگرنه آیه نمی گوید صرف دوستی اهل بیت، اجر رسالت است.
بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی

تمدید شد

(زمان آزمون: ۵ تیرماه ۱۴۰۳)

مسابقه معارف خانم

(حفظ و مفاهیم چهل حدیث از امام زمان علیه السلام)



برگزاری مسابقه در سایت
mahdaviat.ir